

باسمه تعالی

جزوه نموداری

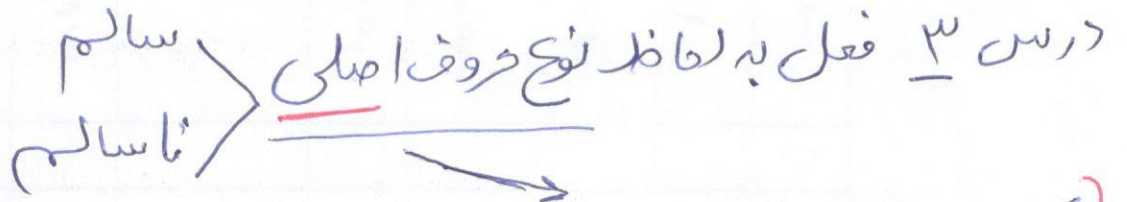
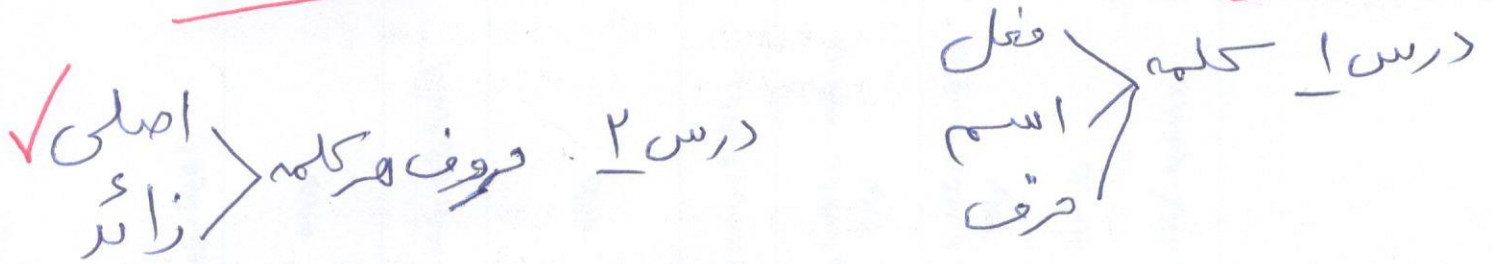
درس صرف ۲

کتاب صرف متوسطه

حوزه علمیه خواجه ران

حجت الاسلام صدیقی

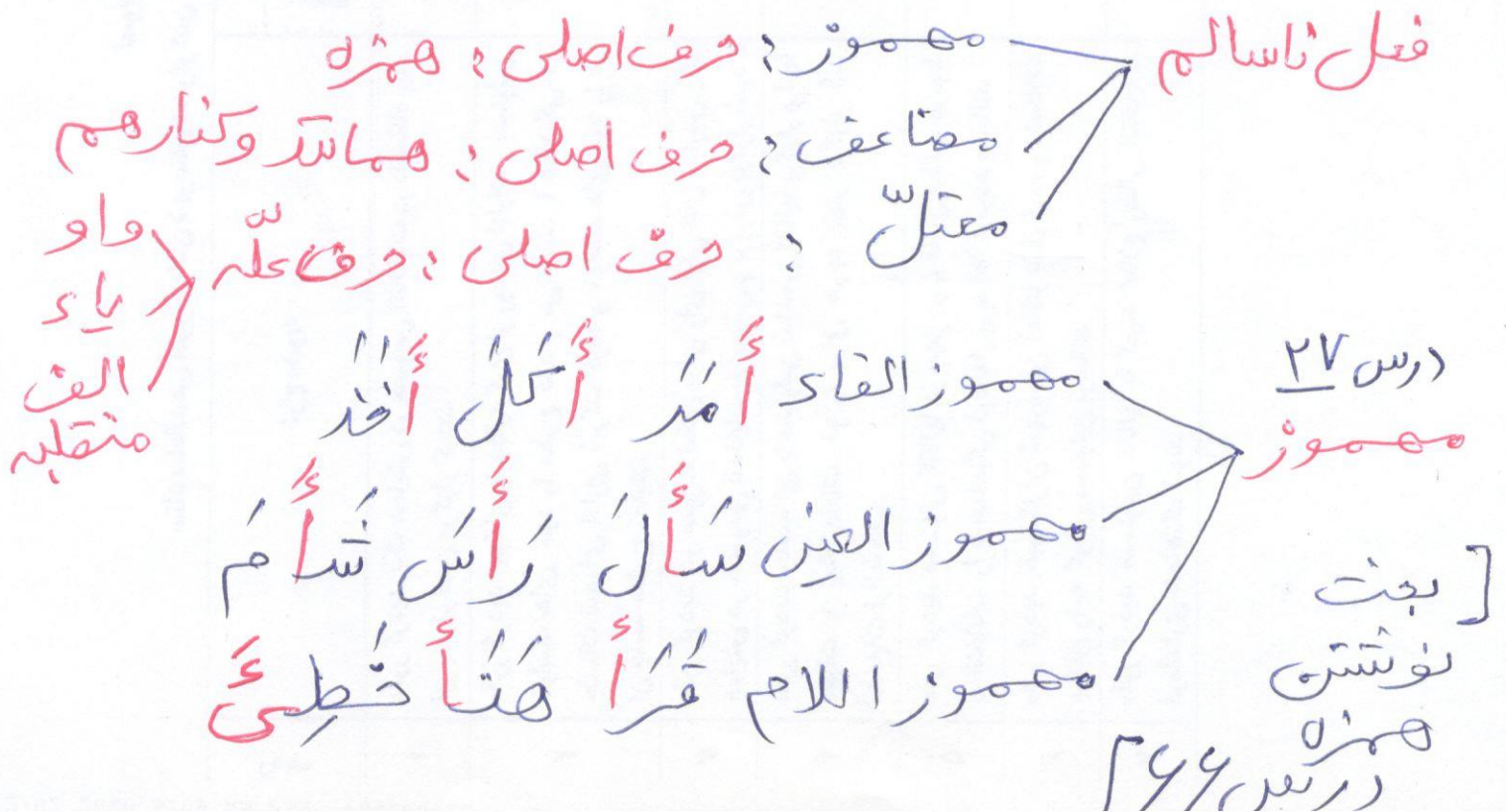
کانال @seddighi صدیقی



اگر ہمزہ، حرف تکراری، حرف علہ (و، ی، ا) نباشد سالم
 اگر ہمزہ، حرف تکراری، حرف علہ (و، ی، ا) باشد ناسالم

نکتہ: این تقسیم ہم در فعل می آید
 و ہم در اسم می آید

نکتہ: تمام مطالب صرف ۱ مربوط بہ فعل سالم بود.



مصاعف: مَلَا ← مَلَا
 درسه ۲۸ و ۲۹
 ادغام

معتل: حروف عله
 درس بی تا ۳۳
 واو
 یاء
 الف منقلبه
 [صنایع جزئی حروف اصلی
 نیستند - ضرب یا - ضربوا]
 (در اصل واو یا یاء بوده
 و به الف قلب شده)
 تبدیل - در لون

قَوْل ← قَالَ
 رَمَى ← رَمَى
 فَاذ
 عَيْن
 لَام
 فَاذ
 عَيْن
 لَام

نکته:
 صحیح ← حروف اصلی بدون حرف عله
 معتل ← حروف اصلی دارای حرف عله
 صحیح بدون حرف عله
 ضرب - قتل ← سالم هم است
 اما سالم نیستند
 أمم
 مد

[منطق ← عموم و خصوص مطلق]
 مانند
 فلان و آهن
 و مانند
 حیوان و گوسفند

متحرک ^و / ^ا / ^و حرف عله

ساکن ^ا ← حرف لاین ^ا قول

حرف لاین

حرف مد هم ^و می گویند.

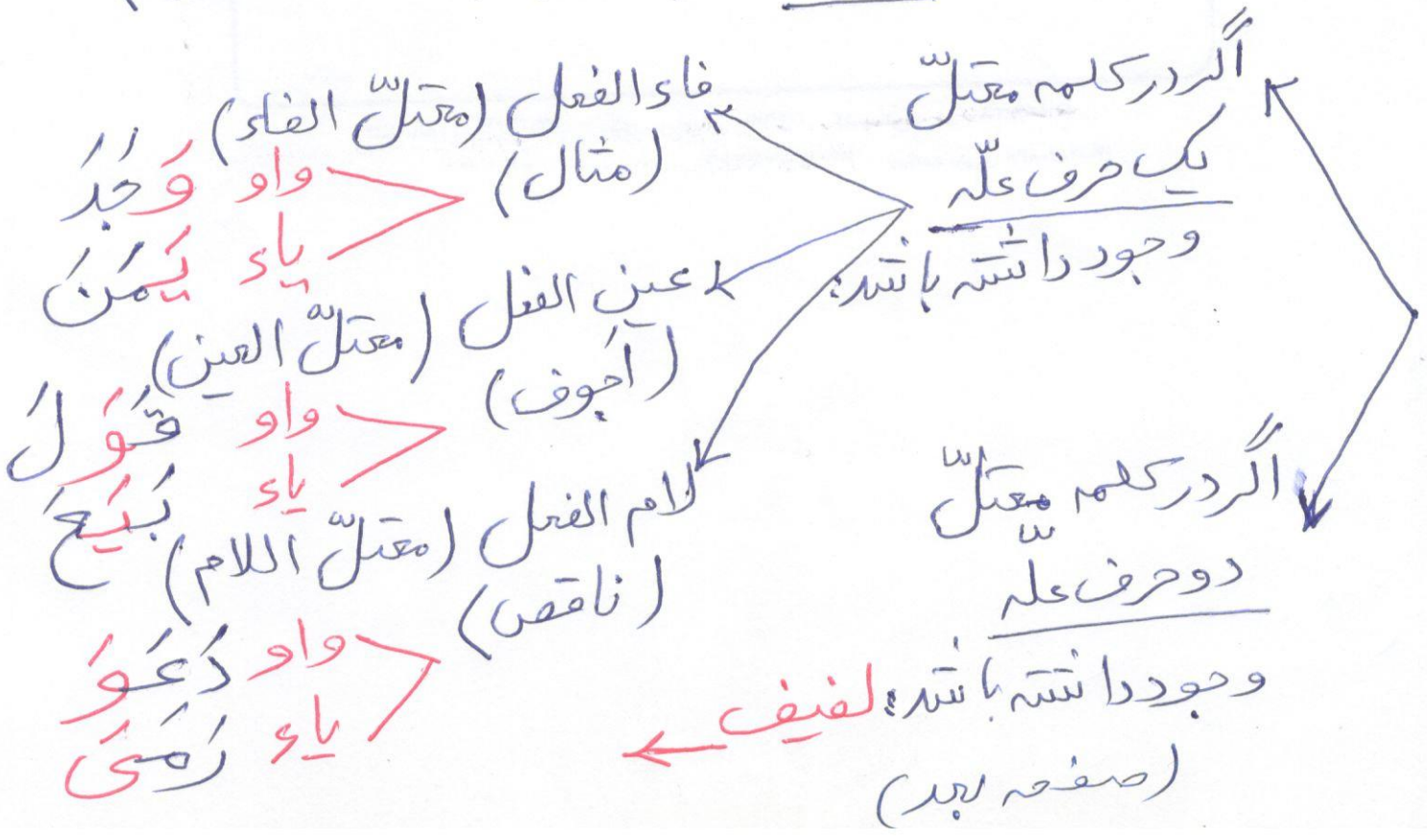
فقط حرف لاین است.

بِالف ^{فتحه} قَالَ
بِیاء ^{کسره} قِيلَ
بِواو ^{ضمه} قَوْلُوا

حکایت هم جیش

نکته: چون همیشه ما قبل الف، فتحه است.
الف همیشه حرف مد است.

انقسام کلمه های معتل ^و : (باتوجه به شماره ۱۳۲)

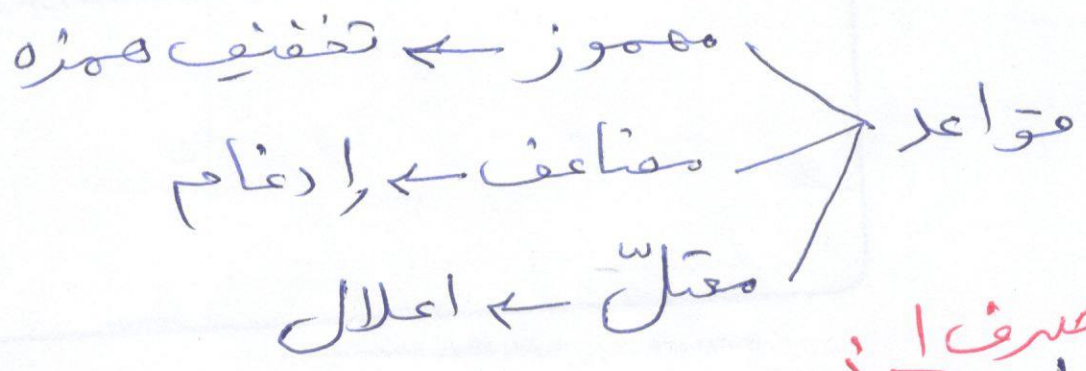


مقرون (دو حرف عله^س کنار هم) طَوِي قَوِي
 مفروق (دو حرف عله^س با فاصله) وَصِي وَقِي
 جرای از هم

تذکره: ارتباط بین کلمات معتل^س و همسوز و مضاعف:

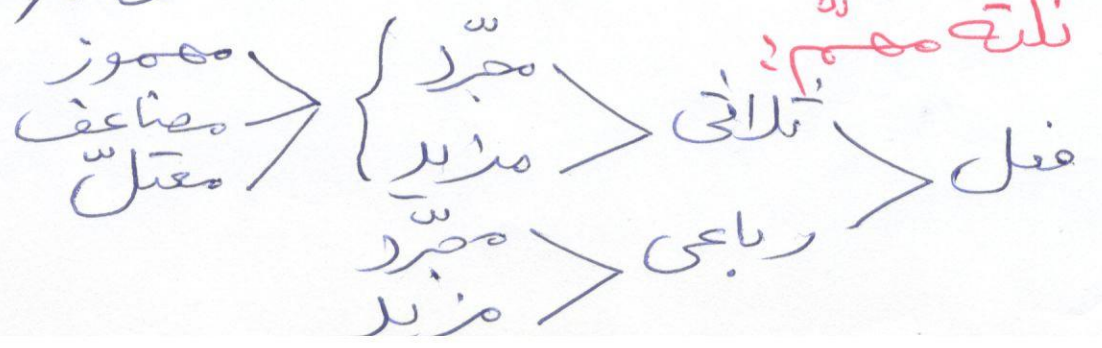
- برخی - هم معتل^س و هم مضاعف: وَد - ضِي
- برخی - هم معتل^س و هم همسوز: يُسِن - أُبِي
- برخی - هم همسوز و هم مضاعف: اُن - اَز

مقدمه برای درس های آینده:



صرفا: (باب مفاعله و باب تفاعل) در ماضی مجهول: الف ما قبل مضموم، قلب به واو می شود.

(باب تفعّل و باب تفاعل و باب افتعال) ابدال و ادغام



مثالها

الفاء = أمر - أكل - أخذ - أبقى - أن - أز
العين = سأل - رأس - شام - يس - قال
اللام = قرأ - هنا - طهي

مهموز

مضاعف = مد - أن - أز

الفاء } واو = وجد - ولد - وقف
ياء = يسر - يمن

العين } واو = ثوب - قول - كون
ياء = بيع

اللام } واو = دعو
ياء = خفي - رمي - قضي

الفيف } مقرون = طوي - قوي - ضي

مفروق = وهي - وقى

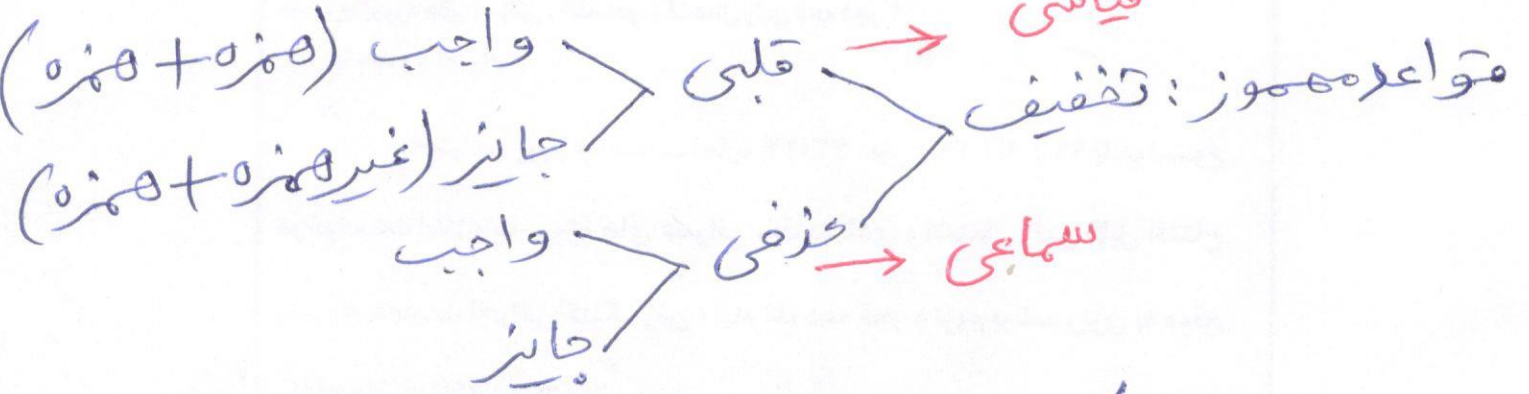
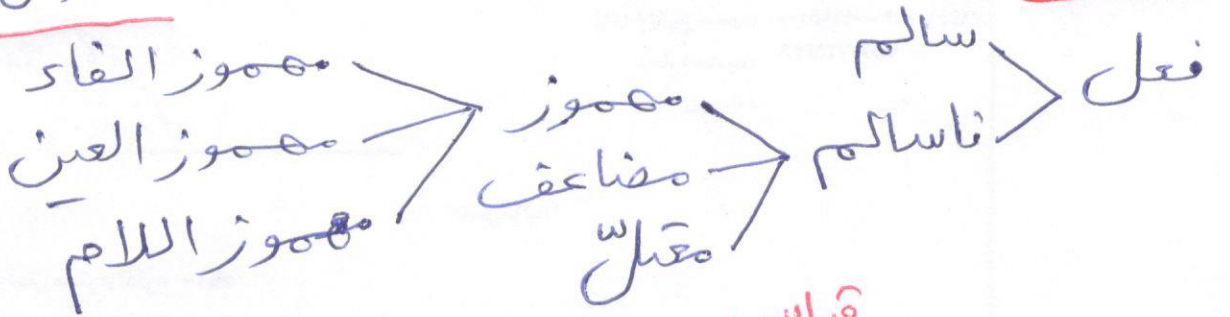
معتل

مطالع و پژوهش: صفحه ۱۹۵

معتل و مضاعف: وج - عي

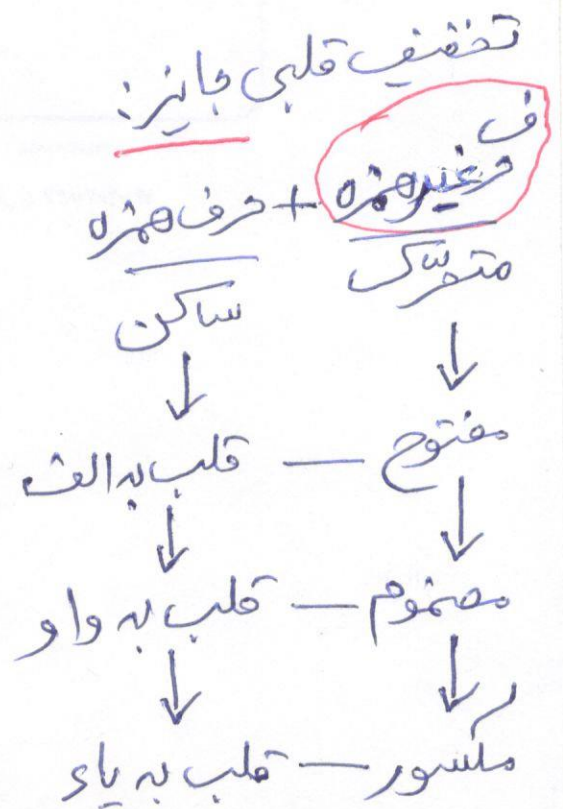
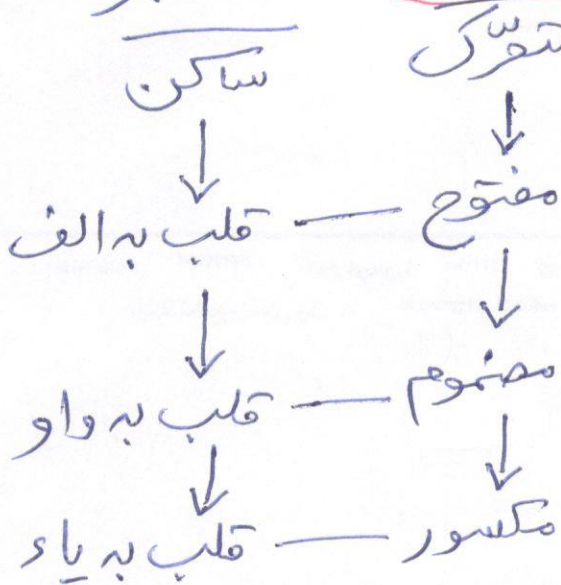
معتل و مهموز: رأى - ويا - ناي

مهموز و مضاعف: أم - اب - ات



بہ مواعد و قوائمی کہ در فعل مهموز جاری می شود، یعنی در همزه تغییراتی صورت می گیرد، قواعد تَضْفِيفِ همزه می گویند.

تَضْفِيفِ قَلْبِی وَاجِبِ: حرف همزه + حرف همزه ✓ مهموز القاء



۱۲۴

ابواب ثلاثی مزید - ماضی (همزه + قاء الفعل)

امر مقاطب که همزه وصل می آید

مضارع صیغه ۱۳ (معلوم - مجهول)

ماضی باب افعال اُؤْمِنُ اُؤْمِنْتُمْ اُؤْمِنُوا (معلوم)

ماضی مجهول باب افعال اُؤْمِنُ اُؤْمِنْتُمْ اُؤْمِنُوا

امر مخاطب اِئْمِنُ اِئْمِنُوا
تلاشی مقرر اِئْمِنُ اِئْمِنُوا

(قواعد نوشتن همزه - درس ۹۶ صفحه ۱۵۰)

مضارع معلوم يَأْمُرُ يَأْمُرُونَ
مضارع مجهول يَوْمِرُ يَوْمِرُونَ

تفخیف حذفی واجب - امر حاضر اُؤْمِنُ اُؤْمِنُوا
جائز - امر حاضر اِئْمِنُ اِئْمِنُوا

ک بعد از حذف همزه فاء الفعل، نیازی به همزه وصل نیست. (درس ۸۰)

اُؤْمِنُ اُؤْمِنْتُمْ اُؤْمِنُوا - اِئْمِنُ اِئْمِنُوا
اُؤْمِنُ اُؤْمِنْتُمْ اُؤْمِنُوا - اِئْمِنُ اِئْمِنُوا
امر مخاطب - امر حاضر اِئْمِنُ اِئْمِنُوا
تفخیف قبلی - اِئْمِنُ اِئْمِنُوا

سؤال يسألُ ← صفحه ۱۹۹ پاورقی ۱
رأى يرى ← صفحه ۲۴۱ پاورقی ۵

قواعد کامل هموز: کتاب صرف ساده

جدول صفحه ۱۹۸

ما تَدْعُ فِعْلٌ سَالِمٌ صِرْفٌ مَرْتَبَةٌ
معلوم } ماضی
مجهول } مضارع } فعل

در صفحه ۱۳۰ : قاعده تفضیف قلبی و جوی
معلوم } امر
مجهول } قاعده تفضیف قلبی و جوی

در بقیه صفحه ها : قاعده تفضیف قلبی و جوی

اما فرق بین معلوم و مجهول :

در مضارع معلوم : ما قبل همزه ، مفتوح : همزه قلب به الف
در مضارع مجهول : ما قبل همزه ، مضموم : همزه قلب به واو

جدول صفحه ۱۹۹ - ما تَدْعُ فِعْلٌ سَالِمٌ صِرْفٌ مَرْتَبَةٌ

سَأَلَ نِسْأَلَ (مهموز العین) ← هیچ قاعده ای جاری نمی شود.
[یا در حق قاعده اختصامی دارد. همزه تبدیل به الف فقط در سوال و حذف الف طبق قاعده ۶ درس ۱۳۱ - اجوف] ماده

جدول صفحه ۲۰۰

(مهموز اللام) ← ما تَدْعُ فِعْلٌ سَالِمٌ صِرْفٌ مَرْتَبَةٌ
می شود . هیچ قاعده ای جاری نمی شود.

جدول صفحه ۲۰۱

ماضی ، مضارع ، امر ، مصدر ابواب ثلاثی مرتب

↓
درس ۵۹

افعال مهموز

مهموز الفاء

- أَمَرَ يَا مَرَّ +
- أَكَلَ يَا كَلَّ +
- أَخَذَ يَا خَذَّ +
- أَبَى يَا بَى
- أَنَّ يَا نَّ
- أَزَّ يَا زَّ
- أَمِنَ يَا مَنَ
- أَتَى يَا تَى
- أَزَّ يَا زَّ
- أَلْفَ يَا لَفَ
- أَجَرَ يَا جَرَ
- أَذَنَ يَا ذَنَ

مهموز العين

- سَأَلَ سِئَالَ +
- رَأَسَ رِئَاسَ
- شَامَ شِئَامَ
- بَيَسَ بِئِيسَ
- فَالَ فِئَالَ
- رَأَى رِئَايَ +

تخفيف قبلي

مهموز اللام

- قَرَأَ قِرَاءَ
- هَنَا يِهِنَاءَ
- ضَطَى يِضْطَايَ
- بَدَأَ بِدَاءَ

- همزة + همزة : (اولی متحرک + دومی ساکن)

ابواب ثلاثی مزید - ماضی همزه داشته باشند و در مهموز الفاء.

امر مخاطب کنه همزه وصل می آید.

فعل مضارع صیغه ۱۳ (معلوم - مجهول)

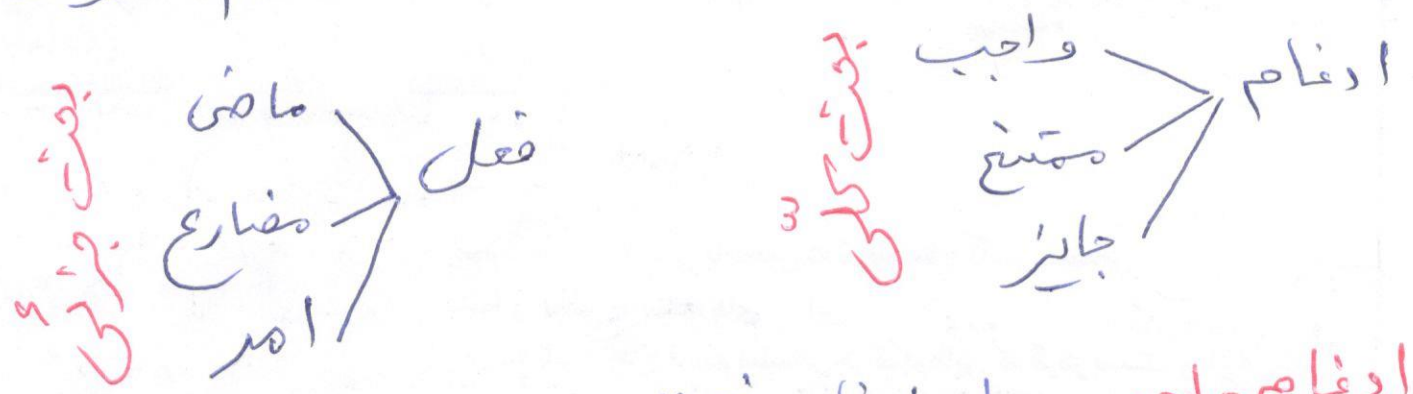
- غیر همزه + همزه : (اولی متحرک + دومی ساکن)

فعل مضارع - در مهموز الفاء

تخفيف ورفعی : ← سماعی

- وامر حاضر
- واجب ← اخذ و اكل
- حذف > جائز ← امر

شرائط ادغام > دو حرف ہم پیش، کنار ہم باشند۔
 حرف اول ساکن، حرف دوم متحرک



ادغام واجب؛ باید ادغام شود.

حرف اول ساکن، حرف دوم متحرک: عَلِمَ ← عَلِمَ
 باب تفعیل

ما قبل اول ساکن نباشد ← حرف اول ساکن در کسبم.
 مَدَدٌ ← مَدَدٌ ← مَدَدٌ
 حذف حرف اول را حذف می‌کنیم

ما قبل حرف اول ساکن باشد ← حرکت حرف اول به حرف ساکن ما قبل، واره می‌شود.
 يَمْدَدٌ ← يَمْدَدٌ ← يَمْدَدٌ

ما قبل حرف اول، حرف مد باشد ← حرکت حرف اول را حذف می‌کنیم. معلوم: مَادِدٌ ← مَادِدٌ ← مَادِدٌ

باب مفاعلہ
 مجهول: مَوْدِدٌ ← مَوْدِدٌ ← مَوْدِدٌ
 معلوم: يَمَادِدٌ ← يَمَادِدٌ ← يَمَادِدٌ
 مجهول: يَمَادِدٌ ← يَمَادِدٌ ← يَمَادِدٌ

مضارع

ادغام مستغنیه ← **صرف ساده** - در ستاره علم صرف - دانش صرف
 مهمتین مورد } حرف اول: متحرک، حرف دوم: ساکن
 و بعد از حرف دوم: ضمیر رفع متحرک

ادغام جائز ← بدون ادغام
 ← با ادغام (به کمک حرکت عارضی)
 صفحه ۱۶۴

فعل ماضی (معلوم و مجهول)
 ادغام در صیغه های ۱ تا ۵ : واجب
 ادغام در صیغه های ۶ تا ۱۴ : مستغنیه

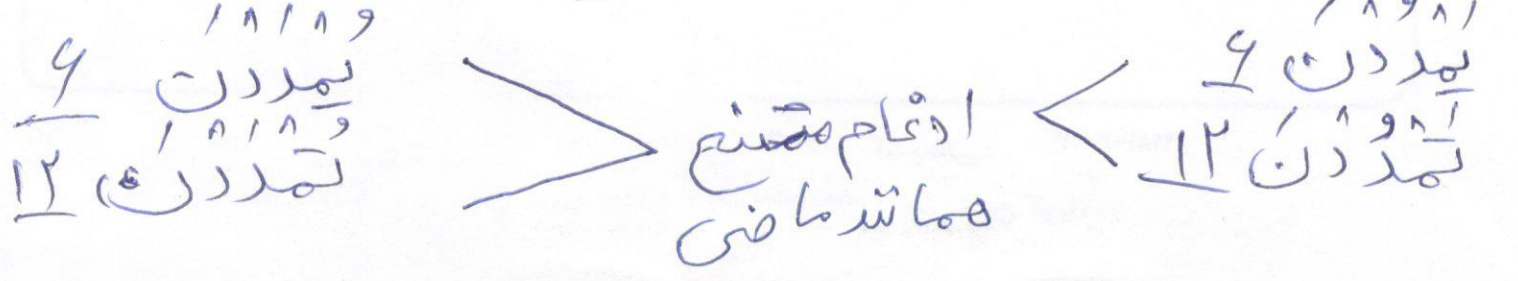
فعل مضارع (معلوم و مجهول)
 ادغام در صیغه های ۶ و ۱۲ : مستغنیه
 ادغام در بقیه صیغه ها واجب

فعل امر (معلوم و مجهول)
ومضارع مجزوم (معلوم و مجهول)
 ادغام در صیغه های اوع و او و آ و آ ← جائز
 ادغام در صیغه های ۶ و ۱۲ ← مستغنیه
 ادغام در صیغه های ۲ و ۳ و ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ ← واجب

ماضی معلوم: بِاِسْمِ تَعَالٰی		
و	و	
مد	مد	→ ادغام واجب: ←
و س ا	و ا	هر دو حرف متحرک
مد	مد	قبل از آنها ساکن نشیت
و س	و	و کت حرف اول حذف
مدوا	مدوا	و ساکن است
و ک	و	
مدت	مدت	
و ک	و	
مدتا	مدتا	

		→ ادغام مستعجب: ←	
و	و		مدان
مدان	مدان	حرف اول متحرک	مدت
و	و	حرف دوم ساکن	مدتیا
مدت	مدت	و بعد از حرف دوم	مدتکم
و ا	و	ضمیر رفع متحرک	مدت
مدتیا	مدتیا		مدتیا
و	و		مدتین
مدتکم	مدتکم		مدت
و	و		مدتیا
مدت	مدت		
و	و		
مدتین	مدتین		
و	و		
مدت	مدت		
و	و		
مدتیا	مدتیا		

مضارع مجهول			مضارع معلوم	
و	و		و	و
یهد	یهد	→ ادغام واجب: ←	یهد	یهد
		هر دو حرف متحرک		
		ما قبل حرف اول ساکن		
		و کت حرف اول به		
		ما قبل داده است		



فعل امر معلوم

لِيَمُدَّ

لِيَمُدِّرَا

لِيَمُدِّدُوا

لِيَمُدِّدْ

لِيَمُدِّرَا

لِيَمُدِّدَنَّ

أَمُدِّ

أَمُدِّرَا

أَمُدِّدُوا

أَمُدِّدِي

أَمُدِّرَا

أَمُدِّدَنَّ

لَا مَدِّ

لِيَمُدِّدْ

صیغه های ۶ و ۱۲ ← ممتنع

صیغه های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ ← واجب

هما شد فعل مضارع

اما صیغه های ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ :

بدون ادغام

با ادغام

لِيَمُدِّدْ برای ادغام باید

حرکت حرف اول را به ما قبل بدهیم. لِيَمُدِّدْ

التقاء ساکنین به وجود می آید

باید به حرف دوم، حرکت بدهیم.

به حرکت عارضی -

موقت -

عین الفعل

مضموم

لِيَمُدِّدْ

لِيَمُدِّدْ

لِيَمُدِّدْ

تثنية و جمع

لِيَمُدِّدْ
لِيَمُدِّدْ

عین الفعل

مفتوح

یا

مکسور

بدون ادغام

با ادغام

صیغه ۷

امریه صیغه

لَا مَدِّ - اَمُدِّدْ - اَمُدِّدْ

اما: وقتی فاعل الفعل حرکت گرفت دیگر نیازی به

همزه و جعل نیست. مَدِّدْ مَدِّدْ مَدِّدْ

(سه وجهی)

(دو وجهی) فَرِّدْ فَرِّدْ

فعل امر مجهول

از مضارع مجهول گرفته شده شود. عین الفعل مفتوح است. بدون ادغام

یا ادغام - دو وجه لِيَمْدِدَ، لِيَمْدِدِ

لام امر - لا اذنهى - لَمْ - كَمَا

مضارع مجزوم

(درس دوازده) ادوات شرطه جائز

افعال مضاعفت

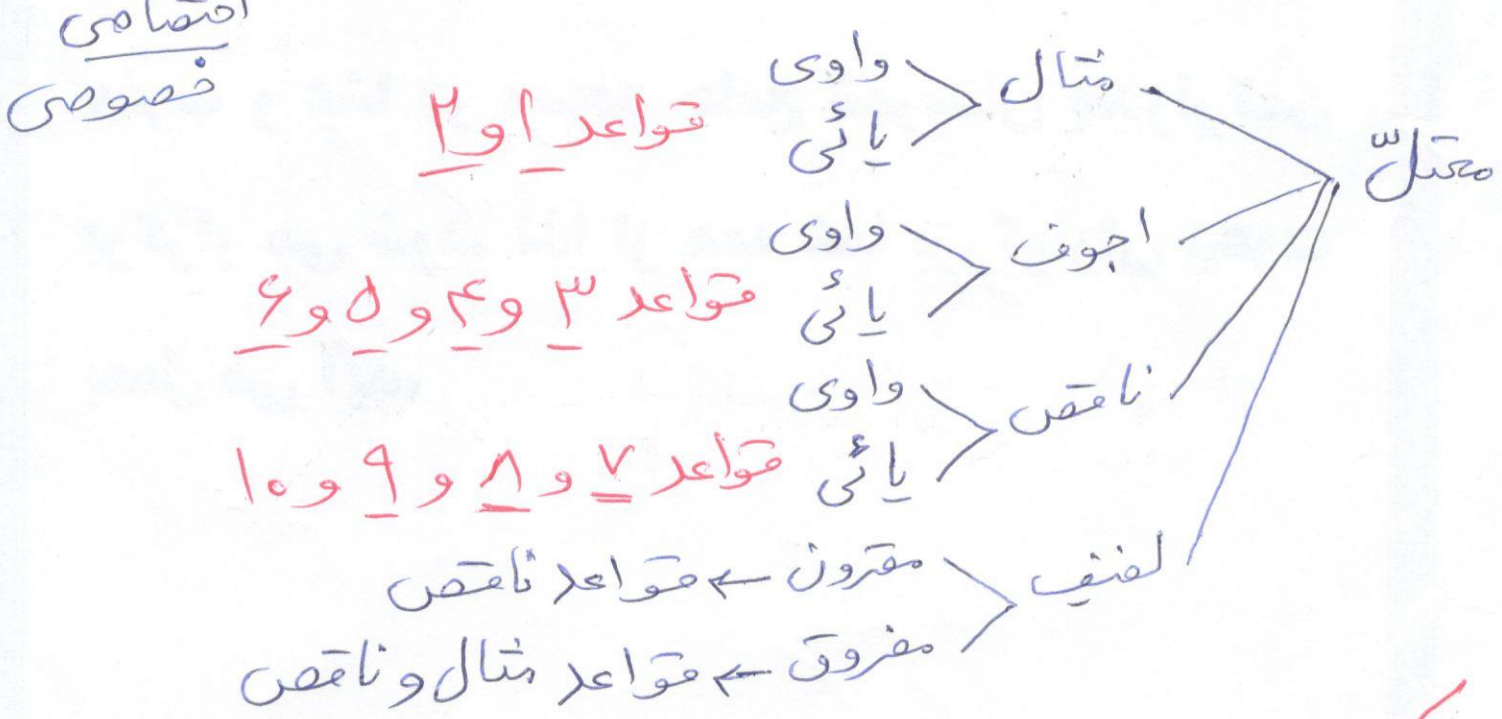
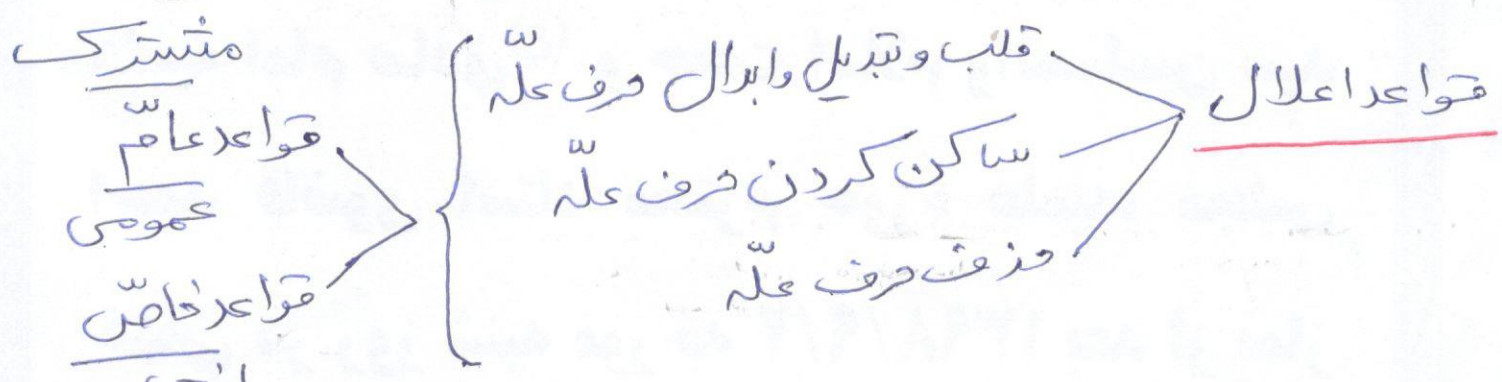
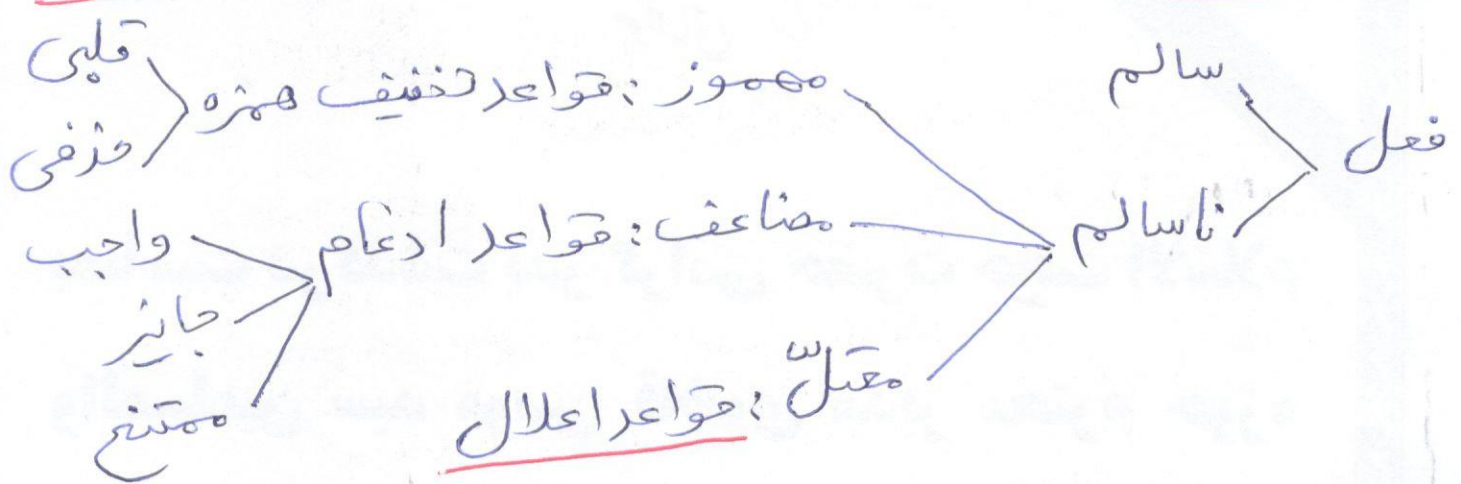
مَدَدٌ يَمْدُدُ	وَدَدٌ يُوَدُّ	وَدَدٌ يُوَدُّ	وَدَدٌ يُوَدُّ
أَشْنُ يَأْتِنُ	أَزْرٌ يَأْزُرُ	أَزْرٌ يَأْزُرُ	أَزْرٌ يَأْزُرُ
دَلَلٌ يَدُلُّ	بَثٌّ يَبِثُّ	بَثٌّ يَبِثُّ	بَثٌّ يَبِثُّ
شَدَّ يَشْدُدُ	مَسَسَ يَمَسُّ	مَسَسَ يَمَسُّ	مَسَسَ يَمَسُّ
غَضَضَ يَغْضُضُ	عَدَدٌ يَعْدُدُ	عَدَدٌ يَعْدُدُ	عَدَدٌ يَعْدُدُ
صَرَّرَ يَصْرُرُ			

تبرین صفحه ۲۱۰ قاعده ادغام در ثلاثی مزید هم جاری می شود

بَابُ اَفْعَالٍ	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ
	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ
	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ
	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ	أَشْفَقَ

حذف تاء در باب تفعّل
قاف اول ساکن

صرف ۱



نکتہ:

شودار طبق درس است.

اما باید توجیہ داشت کہ قاعدہ ۲ ہم در مثال و ہم در اجوف جاری ہر شود. قاعدہ ۴ ہم در اجوف و ہم در ناقص جاری ہر شود.

قواعد اعلال ← مثال

وَجِدْ	وَعَدْ	واوی	مثال (فاد الفعل)
يَمِنْ	يُسِرُّ	يائی	

قاعده ۱: مضارع مثال واوی وزن يَفْعُلُ ← حذف واو (اضطیاضی، حذفی) معلوم

✓ چون امر معلوم را از مضارع معلوم می‌گیریم این ماکره در امر معلوم هم جاری می‌شود

✓ گاهی این ماکره در مضارع بروزن يَفْعُلُ نیز جاری می‌شود

✓ این ماکره در مضارع مجهول و امر مجهول جاری نمی‌شود.

يُوعِدُ ← يَعِدُ
امر

غائب، ليعِدُ
مخاطب عِدْ

لام امر

يُؤْتِلُ ← يُتِلُّ
امر

لِيَتِلُّ
يَالِ

چون حرف اول متحرک است نیاز به هزه وصل نیست

قاعده ۲: حرف مکسور + واو ساکن ← قلب واو به یاء
حرف مضموم + یاء ساکن ← قلب یاء به واو
(عمومی، قلبی)

وَجِلُّ يُوَجِلُّ ← صيغة الامر، اُوَجِلُّ ← اِيَجِلُّ
يَمِنْ لِيَمِنْ ← اَمِنْ ← اَوْمِنْ

تصحیح مثال - صفحہ ۲۲۰ - شماره ۱۵۰

مثال صحیح برای قاعده ۲ در غیر باب مثال :

قَوْلُ (ماضی مجهول اجوف و اوست) قَا۟ه ← قَوْلُ قَا۟ه ← قَوْلُ قَا۟ه ← قَوْلُ قَا۟ه

در انقیاد که واو قلب به یاء می شود، انقیاد به دلیل اجرای

قاعده ۲ نسبت، چون واو ساکن نسبت، بلکه به دلیل اجرای مورد

شماره ۵۰ صفحہ ۱۴۴ است. در صفحہ ۳۱۲ نیز به این

قاعده اشاره شده است.

مثال های دیگر: خُوفِ قَا۟ه ← خُوفِ قَا۟ه ← خُوفِ قَا۟ه ← خُوفِ قَا۟ه
اجوف

مثال واوی
تلاشی معبر

قاعدہ اول
خاص

هم مثال وهم غير مثال
هم تلاشی معبر وهم تلاشی مزید

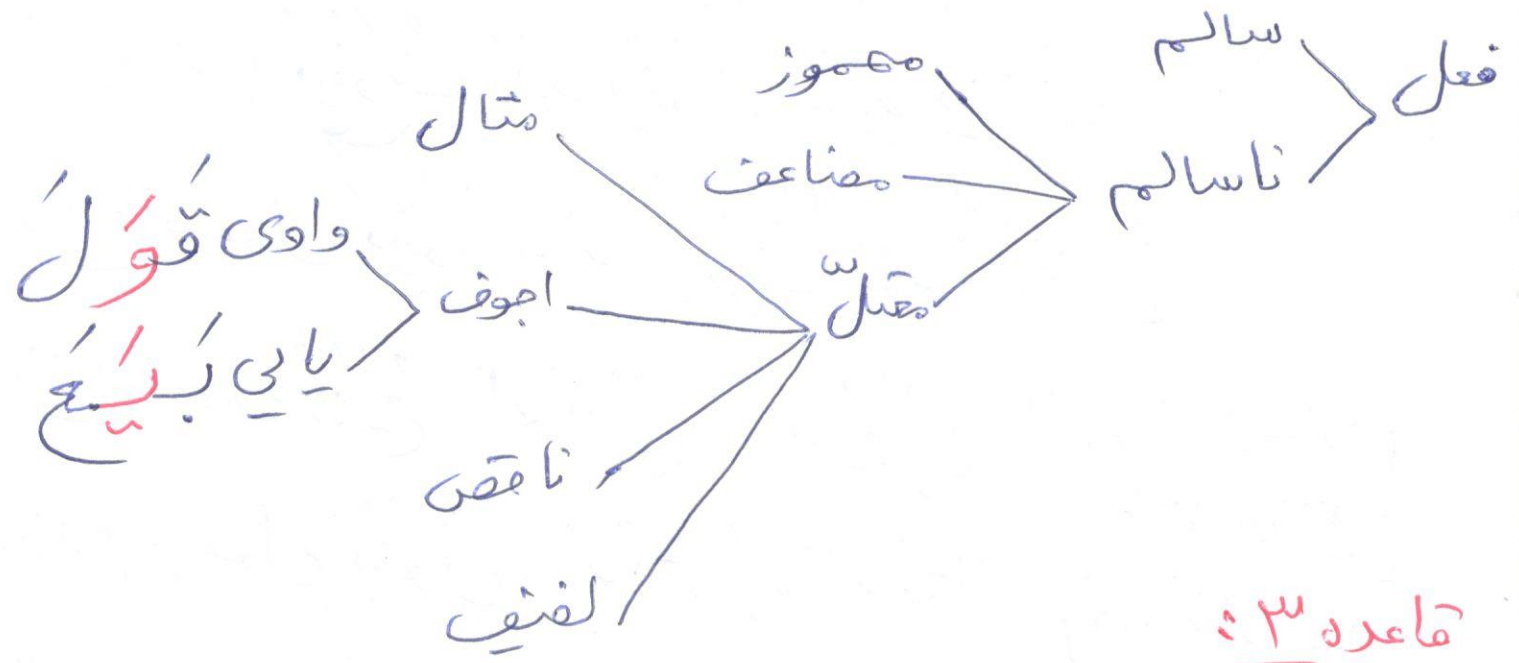
قاعدہ دوم
عام

قاعدہ ابدال و قلب ← باب افعال (قاعدہ ۱ صفحہ ۱۵۶)
قلب واو به تاء باب.

درس ۳۱

مقتلات

اجوف



قاعدہ ۳۳

ما قبل و فعله + ما قبل و ساکن = عین الفعل = واو متحرک / یای متحرک

شرف صبیح و ساکن = یقول → یقول

شرف و فعله = یقول → یقول

ما قبل داره من شود = یقول → یقول

توجیه: در کلمات معتل، بسنی به شریط اعلال،
یک یا چند قاعده اعلال جاری می شود.

قاعده ۴: ما قبل مغالعه + واو - یاء ← قلب به الف
مفتوح متحرک می شود.

قَوْل ← قَالَ بَيْع ← بَاع خَوْف ← خَاف

نکته: شرط قاعده ۴ ← واو - یاء ← متحرک

اما اگر در اصل و سابقاً، متحرک بودند ولی فعلاً ساکن شده باشند به دلیل اجرای قواعد اعلال سکونی، باز هم قاعده ۴ جاری می شود.

(موضع حرکت قبل حرکت داشتند)

مضارع معلوم بَيْعُ ← يُبِيعُ خَوْفٌ ← يُخَافُ
مضارع مجهول بَيْعٌ ← يُبْعَى خَوْفٌ ← يُخَافُ

مضارع مجهول بَيْعٌ ← يُبْعَى بَاعٌ ← يُبَاعُ [در مضارع معلوم فقط ۳]

مضارع مجهول يَقُولُ ← يُقَالُ قَوْلٌ ← يُقَالُ [در مضارع معلوم فقط ۳]

توجیه: امر معلوم و امر مجهول را از

مضارع معلوم و مضارع مجهول می گزیم. در قواعد جاری شده در مضارع معلوم و مجهول وقت کنیم (برای ساختن امر)

قاعدہ ۵ : سکون

حرف علة (واو-ياء) + ماضی مجهول یا مکسور
 ماقبل حرف علة + حرف صحیح مضموم یا مکسور
 حذف وکت ماقبل
 حذف وکت حرف علة
 بہ ماقبل داده
 می شود

قَوْلٌ ← قَوْلٌ ← قِيلٌ
 ماضی مجهول
 اجوف واوی

بَيْعٌ ← بَيْعٌ
 ماضی مجهول اجوف یایی

قاعدہ ۶ : حرف ساکن + حرف ساکن ← حرف حرف علة
 حرف علة

يَقُولٌ ← يَقُولٌ ← لَيَقُولُ ← لَيَقُولُ (صنفہ ۱)
 تَقُولُ ← تَقُولُ ← قَوْلٌ ← قَوْلٌ (صنفہ ۷)

توجه : مضارع اجوف وزن
 فعل ← در ماضی معلوم از صنفہ ۶ تا آخر
 فاء الفعل ← مضموم
 فعل ← در ماضی معلوم از صنفہ ۶ تا آخر
 فاء الفعل ← مکسور
 ماضی معلوم شماره ۱۵۳
 شماره ۱۵۴ در ادامه شماره ۱۵۳ است

قَوْلٌ يَقُولُ ← قَالَ يَقُولُ

قَالَ قَالًا قَالُوا قَالَتْ قَالَتَا | قَالَن قَالَتْ قَالَتَا قَالْتُمْ
قَالَتْ قَالَتَا قَالَتَيْنِ قَالَتْ قَالَتَا ← ق ← حرف الف
قَلْن قَلْت قَلِمَا قَلْتُمْ قَلِب قَلِمَا قَلِن قَلْت قَلِمَا
← قَلْن قَلْت قَلِمَا قَلْتُمْ قَلِب قَلِمَا قَلِن قَلْت قَلِمَا

بَاعٌ يَبِيعُ ← يَاعُ يَبِيعُ ، يَاعُ يَاعَا يَاعُوا يَاعَتْ يَاعَتَا
بَاعِن بَاعَت بَاعِمَا يَاعْتُم يَاعَتِ يَاعِمَا يَاعَتِن
بَاعَتُ يَاعَتَا ← ق ← حرف الف بعن بعث
بِعْمَا يِعْتُم يِعْتِ يِعِمَا يِعْتِن يِعْتِ يِعْتَا
← يِعْن يِعْتِ يِعِمَا يِعْتُم يِعْتِ يِعِمَا يِعْتِن يِعْتِ يِعْتَا

فَوْقٌ يَضُوفُ ← خَافٌ يَخَافُ
خَافٌ خَافَا خَافُوا خَافَتْ خَافَتَا | خَافُن خَافَتْ خَافِمَا
خَافْتُمْ خَافَتِ خَافِمَا خَافَتِن خَافَتْ خَافَتَا ← ق ← حرف الف
خَفْن خَفَتْ خَفِمَا خَفْتُمْ خَفَتِ خَفِمَا خَفَتِن خَفَتْ خَفَتَا
← خَفْن خَفَتْ خَفِمَا خَفْتُمْ خَفَتِ خَفِمَا خَفَتِن خَفَتْ خَفَتَا

[صفحه ۱۲۲ استعمال یک فعل
 در پیش از یک باب] ← $\begin{matrix} \text{فَعْلٌ} - \text{لَمُوتٌ} \\ \text{فَعْلٌ} - \text{لَمُوتٌ} \end{matrix}$ $\begin{matrix} \text{مُوتٌ} \\ \text{ماضی} \end{matrix}$

قاعده ← $\text{مَاتَ مَاتَا مَاتُوا مَاتَتْ مَاتَتَا مَاتَتُوا}$...
 قاعده ۶ متن

اما صرف $\begin{matrix} \text{بِ} \text{كسرة فاء الفعل مِتْنٌ مِتَتْ مِتْمَا مِتْمٌ} \\ \text{بِ} \text{ضم فاء الفعل مِثْنٌ مِثَتْ مِثْمَا مِثْمٌ} \end{matrix}$...

✓ فعل ماضی لیس - صفحه ۲۷۴ - مضارع و امر نادر.

← فاء الفعل در تمام صیغه ها مفتوح است. طبق قاعده و اصل

(فاء الفعل ماضی معلوم مفتوح است)
 اما ماضی مجهول ^{شماره ۱۵۵} هما سرد ماضی معلوم استعمال می شود.

اما برای اشتباه نشدن با ماضی معلوم، حرکت فاء الفعل را عکس می کنیم.

مضارع $\begin{matrix} \text{مضموم العين} \\ \text{مفتوح العين} \end{matrix}$: فاء الفعل ماضی مجهول از صیغه ۶ به بعد ← مکسور

مضموم $\begin{matrix} \text{مکسور العين} \\ \text{مفتوح العين} \end{matrix}$: فاء الفعل ماضی مجهول از صیغه ۶ به بعد ← مضموم

قُولٌ ← $\text{قِيلَ قِيلَا قِيلُوا قِيلَتْ قِيلَتَا قِيلَتُوا}$ ← ق ۶ قِلْنِ قِلْنِ

بِيعٌ ← $\text{بِيعَ بَاعُوا بَاعَتْ بَاعَتَا بَاعَتُوا}$ ← ق ۶ بَعْنِ بَعْنِ

ضُوفٌ ← $\text{ضُفِّ ضَفُّوا ضَفَّتْ ضَفَّتَا ضَفَّتُوا}$ ← ق ۶ ضَفْنِ ضَفْنِ

نون تا کید در اجوف:

مثال قاعده ۶ را نگاه کنید. هنگام ساختن فعل امر از مضارع اجوف، التقاء ساکین اتفاق می افتد. و عین الفعل حذف می شود.

از طرف دیگر در درس ۴ صفحه ۱۱ خواندیم: هنگام اتصال نون تا کید به صغیه های او و و و او و او و او لام الفعل مفتوح می گردد.

در نتیجه با حرکت گرفتن لام الفعل (مفتوح شدن لام الفعل) التقاء ساکین بر طرف می گردد و عین الفعل بر می گردد.

لِيَقُولَنَّ ← لِيَقُولَنَّ
تَقِيلَنَّ خَفِيفًا

وجه تسمیه قواعد ۱ تا ۵ با هم دیگر:

- قاعده ۱ و قاعده ۲ حرف علة: ساکن
- قاعده ۳ و ۴ و ۵ حرف علة: متحرک
- در قاعده ۳ ماقبل: ساکن
- در قاعده ۴ ماقبل: مفتوح
- در قاعده ۵ ماقبل: مضموم یا مکسور

توجه: در قول که اجوف است هم قاعده ۱ و هم قاعده ۲ جاری می شود. درس اجوف

همچنین در دَلَّخُوْهُ ناعقن است هم قاعده ۹ و هم قاعده ۴ جاری می شود. درس ناعقن

جوف رانی

اَبِينُ يَبِينُ اِبْيَانٌ
 اَضْعُضُ يَضْعُضُ اَضْيَاعٌ
 ق ۳ و ۴ ق ۳

جوف و رانی

اَقْوَمُ يَقْوَمُ اَقْوَامٌ
 اَجُوبُ يُجُوبُ اِجْوَابٌ
 اَطْوَعُ يُطْوَعُ اِطْوَاعٌ
 اَعْوَنُ يُعْوَنُ اِعْوَانٌ
 ق ۳ و ۴ ق ۳ و ۴ ق ۳ و ۴ ق ۳ و ۴

ق ۳ و ۴ و ۶ و اضافة کردن تاء گرد (ة)

اِقَامَةٌ، اِجَابَةٌ، اِطْلَاعَةٌ، اِعَانَةٌ، اِبْيَانَةٌ، اِضْيَاعَةٌ

جوف رانی

اَسْتَحْيِي سَيْتَحْيِي اِسْتِحْيَارٌ
 ق ۳ و ۴ ق ۳

جوف و رانی

اِسْتَقْوَمُ يَسْتَقْوِمُ اِسْتِقْوَامٌ
 اِسْتَطْوَعُ يَسْتَطْوَعُ اِسْتِطْوَاعٌ
 اِسْتَعْوَنُ يَسْتَعْوَنُ اِسْتِعْوَانٌ
 ق ۳ و ۴ ق ۳ و ۴ ق ۳ و ۴

ق ۳ و ۴ و ۶ و اضافة کردن تاء گرد (ة)

اِسْتِقَامَةٌ، اِسْتِطْلَاعَةٌ، اِسْتِعَانَةٌ، اِسْتِحْيَارَةٌ

نکته:

حذف تاء باب اِسْطَاعُ
حذف طاء فاء الفعل اِسْتَاعُ

اِسْطَاعُ ← اِسْتَاعُ

حذف تاء باب يَسْطِيعُ
حذف طاء فاء الفعل يَسْتِيعُ

يَسْطِيعُ ← يَسْتِيعُ

حذف تاء و طاء بعد از اِجْرَاءِ قَوَاعِدِ ۱۰-۱۱-۱۲

در قاعده ۶ قواعد اعلال خواندیم:

حرف عله ساکن + حرف ساکن دیگر یعنی التقاء ساکنین در نتیجه حذف حرف عله ساکن

تعریف التقاء ساکنین: کنار هم قرار گرفتن دو حرف ساکن.

حکم التقاء ساکنین: (حرف عله ساکن با شد / حرف عله نباشد) جایز است: یعنی دو حرف ساکن کنار هم قرار بگیرند، اشکال ندارد. ممنوع است: یعنی جایز نیست و باید راه حلی پیدا کنیم

راه حلی پیدا کنیم: حرکت دادن بی از دو حرف ساکن حذف حرف اول

موارد جواز:

۱- هنگام وقف: توقف بر روی کلمه ای. سوره فیل

۲- بخت ثنوی: کلمه ای با کلمه دیگر نیاید. به تنهایی ذکر شود. حسین

۳- همزه استعظام + همزه وصل: ا + الاین [بخت هموز] ا الله

۴- حرف لین + حرف مدغم (که به دلیل تشدید ساکن است) الضالین

سوره یونس آیه ۵۹ و آیه ۹۱

موارد حرکت دادن یکی از دو حرف ساکن:

۱- حرف عله لین + حرف ساکن دیگر (کلمه اول) (کلمه دوم) واو ← مضموم یا ← مکسور

۲- نون مین + حرف ساکن دیگر (کلمه اول) (کلمه دوم) ال - نون مین: مفتوح غیر ال - نون مین: مکسور

(همزه ال، همزه وصل است. همزه ابواب، همزه وصل است غیر از ابواب افعال)

۳- ساکن اول (کلمه اول) } ذال
 ساکن دوم + ساکن دوم (کلمه دوم) } میم همزه جمع
 هَمْ - هَمْ

۴- بفت افعال در فعل امر
 عین الفعل
 فعل مضارع } مضموم : حرف دوم : سه حرکت (صمه، فتمه، کسره)
 مفتوح : حرف دوم : فتمه یا کسره
 یا مکسور
 یفیر یفیر یفیر

۵- در بقیه موارد : حرف ساکن + حرف ساکن
 (غیر از موارد بالا) (کلمه اول) (کلمه دوم)

↓
 مکسور می گردد

موارد حذف وف :

۱- در یک کلمه : حرف علم ساکن + حرف ساکن دیگر (حذف)
 هم در کتابت
 هم در تلفظ
 ↓
 حذف

۲- حرف علم مدی (حذف) + حرف ساکن دیگر (حذف فقط در تلفظ)
 (کلمه اول) (کلمه دوم)
 ↓
 حذف

مثال های بیشتر :
 صرف ساده (مباشه تلفظ)
 دانش صرف

فعل ناقص (مختل اللام - لام الفعل حرف عله باشد) واوی دعو و یا بی رمی

قاعده ۷ - مختل اللام = ناقص واوی (چه فعل معلوم، چه فعل مجهول) اگر ما قبل واو، مکسور باشد ← واو قلب و تبدیل به یاء می شود.

رضو ← رضی [حرف صریح + حرف عله ← قلب به یاء] مکسور لام الفعل چه متحرک چه ساکن

قاعده ۸ - (ناقص واوی و ناقص یایی) چه متحرک چه ساکن

واو ← مضموم، ما قبل ← مضموم، حرف آخر کلمه قرار گیرد ← حرف هشتم
یا ← مضموم، ما قبل ← مکسور،

یدعو ← یدعو ۸ ۹ ۱۱ / یدعی ← یدعی ۸ ۹ ۱۱

✓ اعلال سکونی ✓ صیغه های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ مضارع

قاعده ۹ - (ناقص واوی) قلبی واو ← حرف چهارم یا حرف پنجم به بعد ما قبل واو ← مفتوح

واو ← قلب و تبدیل به یاء مجهول ۸ ۹ ۱۱ / یدعو ← یدعی ← یدعی ۸ ۹ ۱۱ / یدعی ← یدعی ۸ ۹ ۱۱ / یدعی ← یدعی ۸ ۹ ۱۱

قاعده ۱۰ - (ناقص واوی و ناقص یایی) حذفی

✓ صیغه های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ فعل مضارع مجزوم

(فعل مضارع مجزوم - درس ۱۲) صوف بزم ساکن شدن این ۵ صیغه با ادوات شرط جازم

→ طبقاً بقاعده ۱۰ در این پیچ صغیر خود صرف علی حذف می گردد.

مثال فعل ام > يَدْعُو ← لِيَدْعُ حذف واو
يُرْمِي ← لِيُرْمِي حذف ياء

نون تالید ← درس ۱۴ (تَقِيلَه ، حَقِيْفَه)
ن ن

فعل مضارع ناقص < واوی - يَدْعُو
< یایی - يُرْمِي
نون تأکید + الفی (مقلوب از واو یا یاء) <

يُرْمِي
يُرْمِي

۱- در صغیرهای ۱ و ۴ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ فعل مضارع، الف به یاء تبدیل می شود (چون حقیفه، چه نون تقیله)

۲- در صغیرهای ۱ و ۴ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ فعل مضارع مجزوم،

در نون تقیله، لام الفعل محذوف (واوی- یایی) می برمی گردد.

۳- در صغیرهای ۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ فعل مضارع، هنگام تأکید (حقیفه و تقیله)

مضارع ناقص < واوی - ضمیر ساکت و حذف می گردد. يَدْعُوْنَ ← يَدْعُوْنَ
< یایی - ضمیر ساکت و حذف می گردد. يُرْمُوْنَ ← يُرْمُوْنَ
الفی - ضمیر ثابت می ماند: ←

لر ضمیر < واو باشد مهملوم می گردد. يُدْعُوْنَ ← يُدْعُوْنَ و يُدْعُوْنَ
< یاء باشد مکسور می گردد. يُرْمُوْنَ ← يُرْمُوْنَ و يُرْمُوْنَ
در ناقص الفی ↓

(حقیفه ۳ يُدْعُوْنَ)
← ۹ يُدْعُوْنَ
۱۰ يُدْعُوْنَ

فعل مضارع

← ناقص واوی
يَدْعُو ← يَدْعُو
يَدْعُو ← يَدْعُو

صیغہ ۳ ← يَدْعُوْنَ
قاعدہ های ضمیر
۵ و ۶ جاری
ص شون

(در اصل يَدْعُوْنَ)

حذف لام الفعل

← اما بانون تاکید؟
تقلبه يَدْعُوْنَ
خفيفه يَدْعُوْنَ
✓ حذف ضمير

فعل مضارع

← ناقص ياي
يُرْمِي ← يُرْمِي
يُرْمِي ← يُرْمِي

صیغہ ۳ ← يُرْمِيْنَ
قاعدہ های ضمیر
۵ و ۶ جاری
ص شون

(در اصل يُرْمِيْنَ)

حذف لام الفعل

← اما بانون تاکید؟
تقلبه يُرْمِيْنَ
خفيفه يُرْمِيْنَ
✓ حذف ضمير

فعل مضارع

← ناقص الفی
يُفْشِي ← يُفْشِي
يُفْشِي ← يُفْشِي

صیغہ ۳ ← يُفْشِيْنَ
قاعدہ های ضمیر
۴ و ۶ جاری
ص شون

(در اصل يُفْشِيْنَ)

حذف لام الفعل

← اما بانون تاکید؟
تقلبه يُفْشِيْنَ
خفيفه يُفْشِيْنَ
✓ ضمير حذف نشده
در کلمه ثابت است

* همچنین در صیغه های ۹ و ۱۰

يُفْشِي ← يُفْشِي

در مضارع ماضوب : ناقص الفی

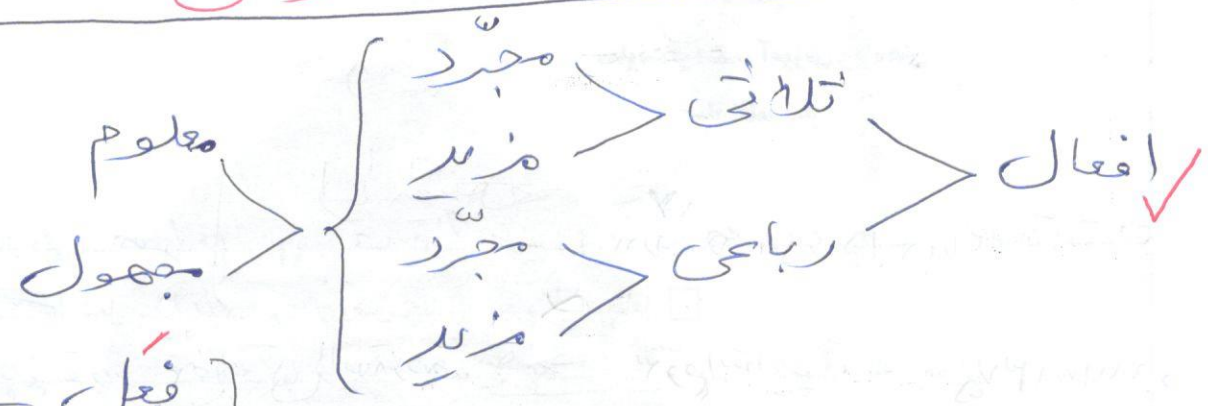
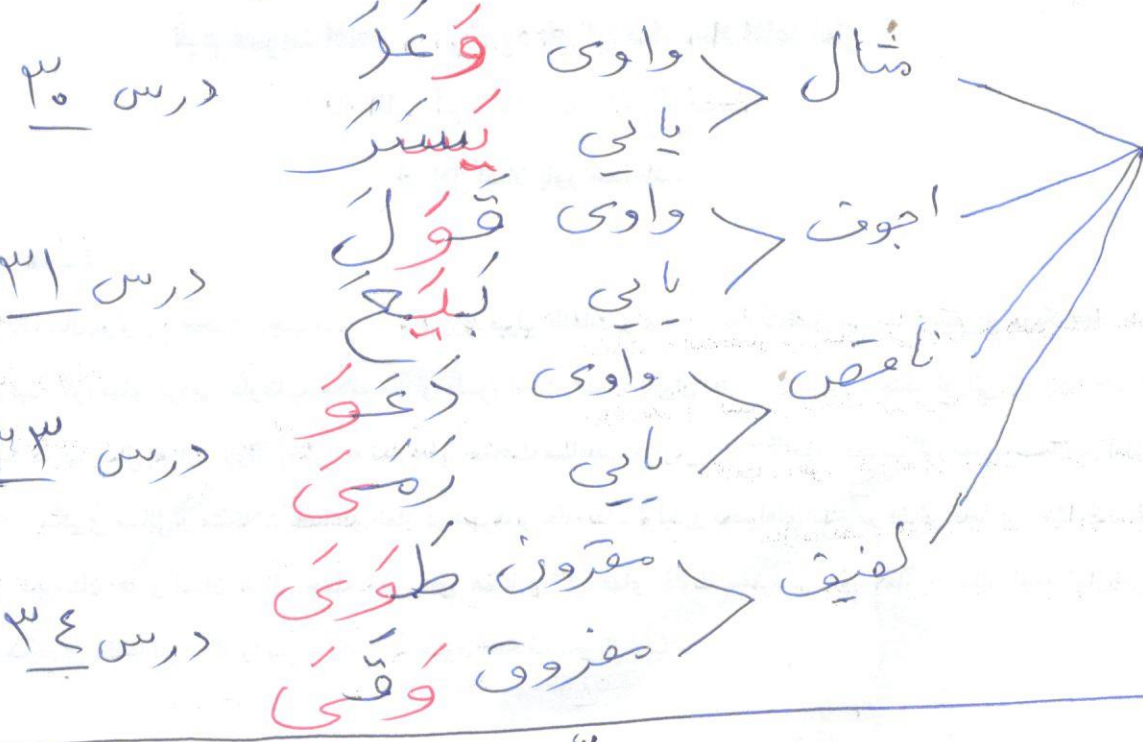
- ۱ ان يُفْشِي
- ۴ و ۵ ان يُفْشِي
- ۱۳ ان يُفْشِي
- ۱۴ ان يُفْشِي

خلاصہ
معمول

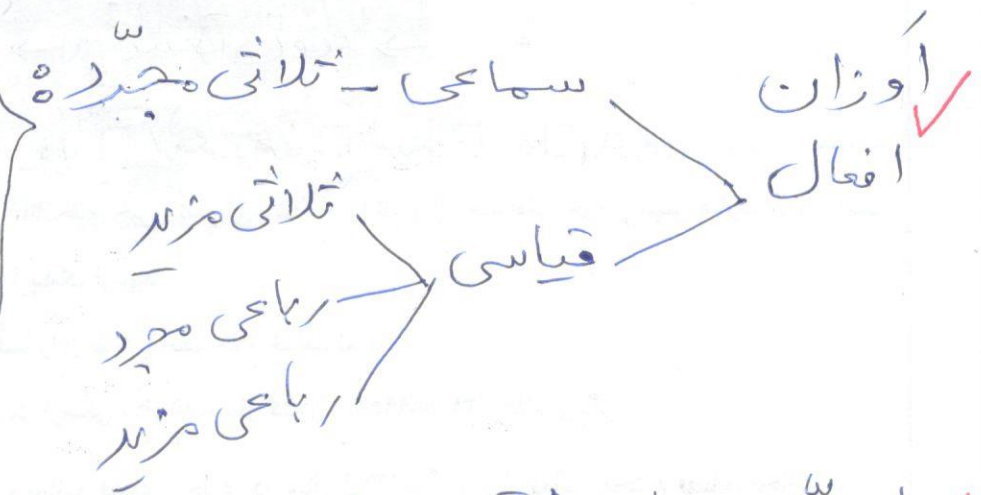
قلمی = قواعد ۲ و ۴ و ۷ و ۹
سکونی = قواعد ۳ و ۵
حذفی = قواعد ۱ و ۶ و ۸ و ۱۰

قواعد اعلال

انفعال
معمول



- فعل - فِعْلٌ
- فعل - يَفْعَلُ
- فعل - فَعَلَ
- فعل - يَفْعَلُ
- فعل - فَعِلَ
- فعل - يَفْعِلُ
- فعل - فَعَّلَ
- فعل - يَفْعِلُ



باتوجه به موارد فوق، قواعد اعلال را اجراء می کنیم.
ضمومهاً حرکات شروف اصلی افعال را دقت می کنیم.

باسمہ تعالیٰ

مثال

اجوف

نامقن

لفيف

واوی وَجَدَ
یای بَسَرَ
 وحد
 وصل
 وعظ
 ود
 وقف
 وعد
 وأل
 وسیع
 وضع
 ودع
 وهب
 وذر
 وقع
 ورغ
 وطاق
 وزع
 ولم
 ولغ
 ورد
 وجل
 وضع وصف

واوی خُوفٌ
یای بَيْعٌ
 قول
 کون
 قود
 موت
 لوم
 نوم
 عون
 طوع
 جوب
 قوم
 جود
 عور
 غوز
 طوف

واوی دَعَا
 عفو
 عدو
 رضو
 رشو
 زکو

یای خُفِيَ
یای رَضِيَ
یای أَبَى
یای قَضَى
یای عَطَى
یای خَشِيَ
یای ضَمِيَ
یای خَشِيَ
یای بَلَى
یای رَأَى
یای شَفَى
یای رَضَى
یای أَى
یای صَلَى
یای نَهَى
یای بَغَى
یای شَرَى
یای سَقَى
یای عَصَى

- طَوَى
 - قَوَى
 وَهَى
 وَهَى
 - شَى
 ولى
 - عَى
 - هوى
 - لوى
 - هوى
 وخی
 - شوى
 - عوى
 وى

التقاء ساکنین - کنار هم قرار گرفتن دو حرف ساکن

۱- در چهار مورد، دو ساکن کنار هم قرار می‌گیرند.

○ + ○ ← مَوْتُ جائز است و اشکال ندارد.

۲- اما در پنج مورد، دو تا ساکن کنار هم قرار بگیرند، جائز نیست.

○ + ○ × ممنوع است.

راه حل: ساکن اول را حرکت می‌دهیم.

○ ← / /

۳- و در دو مورد، هیچ راه‌حلی ندارد.

در نتیجه، حرف اول حذف می‌شود.

کلمہ → فعل ✓
اسم
حرف

۱ اما فعل: اما الان خواندیم کہ فعل را از مصدر می گیریم،

۲ به این افعال می گوئیم: **افعال اصلی**،

اما گاهی با اضافه کردن یک حرف یا چند حرف به فعل ثلاثی، فعل رباعی (مجرد یا مزید) می سازیم،

۳ به این افعال می گوئیم: **افعال ملحق**،

گاهی هم از اسم جامد (که مصدر نیستند) فعل می سازیم.

۴ و گاهی هم با استقارہ از چند حرف یک جمله (چه اسمیه چه فعلیه)، فعلی می سازیم.

۵ به این دو مورد می گوئیم: **فعل صناعی یا مشعوت**

۱- ضَرَبَ ← ضَرَبَ يَضْرِبُ
اسم جامد اما مصدر ماضی مضارع

۲- سَطَنَ ← سَطَنَ يَسْطِنُ
تلاشی مجرد رباعی مزید / شیطن

۳- جَهَرَ ← جَهَرَ يَجْهَرُ
تلاشی مجرد رباعی مجرد

۴- اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ← حَمْدٌ يَحْمَدُ

۴- جَعَلْتُ فِدَاكَ ← جَعَلْتُ يَجْعَلُ
جمله اسمیه / جمله فعلیه

۳- صَبَّاحٌ ← اصْبَحُ يَصْبِحُ
اسم جامد غیر مصدر

درس ۳۹

باسم تعالی

صرف ۲

صفحه ۳۵

ماضی مضارع
امر

شماره ۳

درس سوم

صفحه ۳۸

متصرف
جامد

شماره ۹

درس سی و نهم

ماضی و مضارع دارد ۷ فعل

تام

متصرف

افعال

ناقص

مضارع و امر دارد ۲ فعل

غیر متصرف

فقط امر دارد ۷ فعل

فقط ماضی دارد ۱۵ فعل

فقط ماضی یا امر دارد ۲ وزن

(یک وزن فقط ماضی دارد، یک وزن فقط امر دارد)

ادات نعی = ما - لا - لم - کن

توجه به معانی افعال

ما زائد فقط برای تاکید معنا

حب + طا ← حبا

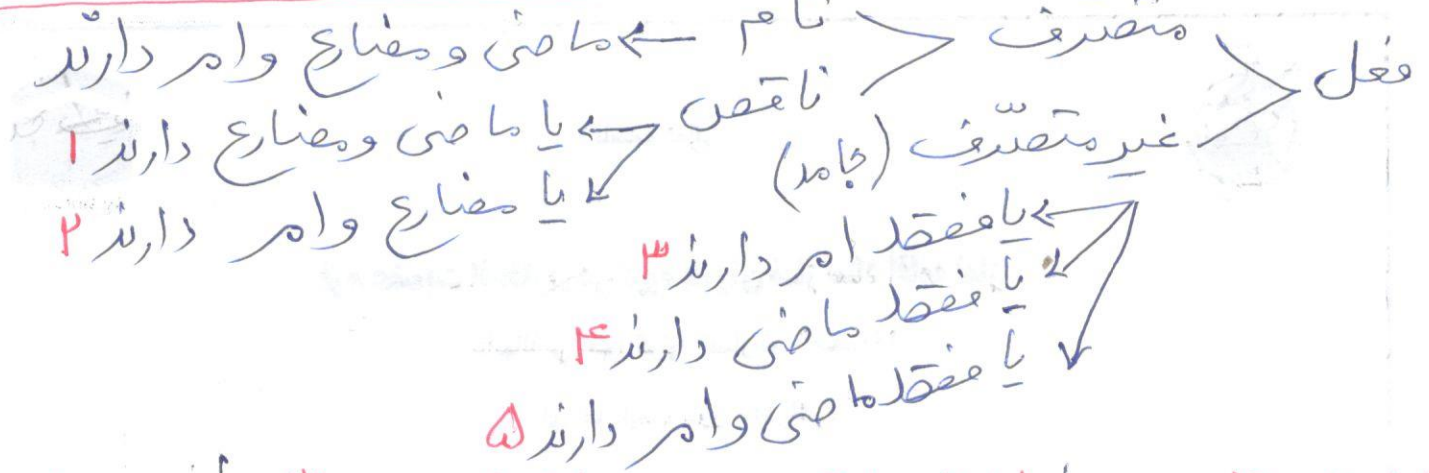
دو صیغه تعجب ← هر فعلی که بر این دو وزن بیاید

تعداد این افعال، مشخص است.

فقط این افعال کمک زیادی به مباحث این افعال در علم نحوی کند.

✓ طبق درس ۳ افعال > متصرف ← تام و ناقص
جامد ← غیر متصرف

افعال متصرفہ و غیر متصرفہ



افعال متصرفہ :
 استشاء ۳
 خلا ۴
 عدا
 حاشا

افعال مدح و ذم :
 بئس ۴
 ساء
 فھم
 حب ۳

افعال ناقصہ :
 ما زال ۱
 ما براح
 ما فتئ
 ما انفک ۳

افعال مقاربه :
 ما د ا
 اوشک
 طیفق
 کرب ۴

اسم فعل - درس ۶۳ :

کھی - بشتاب ۳
 تعال - سیا
 ہات - سیاور
 ہاء - سیاور
 ہاء - بگری

لیس ۴
 دام

انشاء
 جعل
 أخذ
 علق
 عسی
 حری
 افلولق

افعال متفرقہ :
 ۱۱۱
 ۲ یلع
 ۱۱۱
 ۱۱۱
 ۱۱۱

تبارک ۴
 قل ما ۴
 کتر ما
 تتر ما
 طال ما

صیغہ تعجب :
 ما افععل ۵
 افععل ۵

افعال قلوب :
 تعلم بدان ۳
 هب فرض کند

بمعنوں و وزن

غیر از اسم فعل و افعال متفرقہ (بقیہ افعال در علم نحو) مورد بحث قرار می گیرند - فقط فقط کنند

درس ۳۷

قواعد تشخیص کلمات
(وزن)

مقدمه - یادگیری درس دوم

در مثال عالم معلوم علم
علامه علماء علوم معلم

حروف یک کلمه > اصلی
زیاد

مثال کتاب > حروف اصلی: ک ت ب
بعضی حروف: ا ز ا ی د

اما در بعضی از کلمات < یا حروف اصلی حذف شده است.

یا به دلیل الحاق، حروف زیاد در همه

کلمات خانواده وجود دارد.

طبق قواعد اعلال

بعضی از حروف اصلی
حذف شده است:

درس ۳۵ بُهْوَرٌ بُهْوَرٌ بُهْوَرَةٌ (فعل)
واو در همه کلمات آمده است.

الحاق (اسم) کو کب و

قاعده ۱
يُوعَدُ < يُعَدُّ

✓ قواعد تشخیص کلمات

(تشخیص حروف اصلی)

قاعده ۲ اَمْرٌ تَقُولُ < قُلْ، امر تکون <

از زیاد: ه
هم قاعده و لک نلک

قاعده ۱ و ا تَوْقِي < امزق
۱ ۲ ۳

قاعده ۱ - کلماتی که فقط حروف اصلی دارند:

اسم < رباعی < ثلاثی
علم
ع ل م
ف ع ل م
ف ع ل ل
۱ ۲ ۳ ۱ ۲

فعل < رباعی < ثلاثی
ز ه ب
ز ه ب
ز ل ل
ف ع ل ل
۱ ۲ ۳ ۱ ۲ ۳

مزدق
ف ر ز د ق
۱ ۲ ۳ ۱ ۲ ۳

قاعده ۲

حرف زاید

تکرار حرف اصلی است

حرف زاید از حرف اصلی

قابل تشخیص است (۲)

حرف زاید از حرف اصلی

قابل تشخیص نیست (۱)

تکرار حرف اصلی نیست (۳)

حرف زاید

۱ در وزن ذکر نمی شود بیکه مقابل حرف اصلی در وزن تکرار می گردد

تکرار (تغییل)
 فَعْلٌ ← فَعْلٌ
 جَلِبَبٌ ب
 فَعْلٌ ← فَعْلٌ

لایزال (تغییل)

۲ حرف زاید در وزن می آوریم. سَبَدٌ ← فُعَيْلٌ

۳ حرف زاید را در وزن می آوریم. اَثْرٌ ← اِفْعَلٌ

قاعده ۳ = حرکت حرف وزن همانند حرکت حرف کلمه است

ضَرَبَ يُضْرِبُ لِيُضْرِبَ اِضْرِبْ
 فَعْلٌ يُفْعَلُ لِيُفْعَلُ اِفْعِلْ

قاعده ۴

قلبی - تبدیلی

سکونی

حرفی

۱- قواعد اعلال

۴- قواعد ابدال (تفعّل - تفاعل - افتعال)

وصوبی

جوازی

ممتنع

۲- قواعد ادغام

۵- قلب مکانی (جابجایی حرف یک کلمه)

{ واو در هادی ← هادی
 اوجه ← جوه ← جاه }

وصوبی

جوازی

قلبی

حرفی

۳- قواعد تضخیف

همزه

الف قواعدی که در کلمه صورت گرفت: حذف و قلب مکانی نباشند ← حالت اصلی (و حالت قبل از تغیرات) مراعات شود

خَافَ ق ۴ دَعَا ق ۴ نَقُولُ ق ۳
 مد ادغام و جویی • نَمِدُّ ادغام و جویی • نَسِدُّ ادغام و جویی
 او جبر قاعده تخفیف و جویی

ب قواعدی که در کلمه صورت گرفت: حذف و قلب مکانی باشد ← حالت فعلی (الآن) مراعات می شود.

نَقُولُ ق ۳ و ق ۶ (امر) قُلْ | خُذْ قاعده تخفیف حرفی - سباعی
 دَعُوا ق ۴ و ق ۶ - اَعُوا | زَمُوا (مجموع) ق ۵ و ق ۶ - رَمُوا (أخذ يأخذ)
 يُوهِبُ ق ۱ - يُهَيِّبُ | تَدْعُو ق ۳ و ق ۵ - اُدْعُ

مَقُولٌ ق ۳ و ق ۶ - مَقُولٌ | و احدهما حادو ← حادی

قلب مکانی - قلب
 حروف اصلی مائوسن: ا ی س ← ی ا س

زکات:

۱- در کلمه ای
 قلب مکانی ✓ حالت فعلی
 اعلال قلبی X
 وجه ← جوه ← چاه
 قلب مکانی قلب

۲- حذف
 ۳- حالت فعلی
 حروف مضارع (در ساختن فعل امر حاصله)
 نون عوض رفع (صیغه های ۲ و ۳ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱)
 در امر و مجزوم و منصوب

۴- حروف مشدده
 هر دو اصلی ← بدون تشدید
 هر دو زاید ← به صورت مشدده

روش تفریحہ فعل (ملاحظہ باب فعل)

تجزیہ در لغت: جزء بہ جزء کردن

در اصطلاح علم صرف: جدا کردن کلمات یک جمله
و تعیین ویژگی های صرفی و ساختاری

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

فعل فعل فعل فعل فعل فعل
اسم اسم اسم اسم اسم اسم
صیغہ صیغہ صیغہ صیغہ صیغہ صیغہ
امر مضارع

توضیحاتی در مورد جدول

تفریحہ فعل

① سورہ - آئینہ
ناس ۱۱۴
اول

② قُلْ - أَعُوذُ
ماضی

③ فعل خیری
اشتہائی
ام
نہی

④ مفرد و مؤنث و جمع
مذکر و مؤنث
غایب و مخاطب و متکلم

⑤ ثلاثی
مربعی
مجرد
مزيد
مزيد
مزيد

ماضی + وکتب عن الفعل
ضَرَبَ يَضْرِبُ
+ مصدر فعل =
صیغہ ۱۲۲

أَفْعَلُ يُفْعِلُ أَفْعَالُ

⑥ وزن فعل ← همان صیغہ (حروف اہلی و زائد)

قُلْ (قول) قُلْ أَعُوذُ ← أَعُوذُ: أَفْعَلُ

⑦ رشتہ فعل ← حروف اہلی فعل -

ض ر ب و بدون حرکات

⑧ سالم
ناسالم
مهموز
مضاعف
معتل
الفاء
العين
اللام
الفاء
العين
مثال
اجوف
ناقص
مفروق

تقسیمات اسم

درس ۱: کلمه

فعل

اسم

حرف

تعریف اسم:

چہ جاندار باشد

چہ ہی جان باشد کتاب

چہ کار و حالتی باشد. کُتُب

از نظر حرف اصلی و زاید:

مجرد قلب

مزد قلب

مجرد درهم

مزد دراهم

مجرد سفر قبل

مزد سلسبیل

ثلاثی

رباعی

فہامی

اسم

درس ۳۹

درس ۳۷:

(قواعد سنجش کلمات)

✓ فہامی اخصاص

بہ اسم دارد

و در فعل نبود

درس ۲

اسم مصدر واقع شدن کار یا پدید آمدن حالت

مصدر ← فعل

غیر مصدر فعل از آن گرفته می شود.

در ترجمہ د آخر مصدر: کن دن

کفتن خندیدن

انقسام مصدر

درس ۴۰ و ۴۱

اسم چا مد - از فعل گرفته شده باشد.

مشتق - از فعل گرفته شده باشد.

فعل ← اسم مشتق

انقسام مشتق

درس ۴۲ - ۴۷

رجل

حقیقی

باب - قمر

مجازی

امرأة

حقیقی

مجازی لسنورة - الشمس

مذکر

مؤنث

اسم

درس ۴۱

(درس ۴)

حالت های فاعل

مقصود بی - ا - حرف الف لازم و دایمی.

مدود اء - الف آن را نده باشد.

منقوص (مشتق منسوب)

صحيح - (غیر از مورد مدود)

اسم به لفاظ

(حرف آخر)

درس ۴۹

متصرف
غیر متصرف
اسم
از درس ۵۰ به بعد

با تقسیم فعل
متصرف
غیر متصرف - جامد
اشتباه ششور

اسم
مفرد
مثنی
جمع

← حالت های فاعل - درس چهارم

درس های ۵۰ تا ۵۳

← در زبان فارسی بگوچه - دفتربه ، پسرک - دفتک مردک
مصغر - تقلیل ؛ قدک سن ، مقدار ، حجم ، زمان و مکان

اسم
مکبر
درس ۵۴ و ۵۵

با تغییر در ظاهر اسم

(دفت - دفتربه)

اسم
منسوب - اسم + می
غیر منسوب
درس ۵۶ و ۵۷

(قامیلی ، شهر ، کشور)
محمدی
اکرمی
گرجانی
ایرانی
گلهستانی
عراقی

اسم
مفرد - علی
مکبر
درس ۵۸
عبدالله

اسم
سالم
ناسالم
درس ۵۹

✓ در فعل
سالم
ناسالم
درس ۲۶

توجه : قواعد
عمومی ، فعل و اسم
فضوهی - مفضل فعل
فضوهی - مفضل اسم
کتاب در سائنس علم صرف

اسم
معرفه
و نکره
امسام معرفه

درس ۶۰ تا ۶۲

اسم
معرب
مبني
درس ۶۳

(در فعل مضارع)
۶ و ۱۲ مبني - رفع - نصب - جریم
بقیه صیغه ها ← معرب

امسام و احکام اعداد
درس ۶۴ و ۶۵

ملفوظات
امسام همزه و شیوه نوشتن همزه
درس ۶۶
روشن ، تخطی به اسم

(اسم) ثلاثی
 از لحاظ
 حرف اصلی
 و حروف زاید

مجرد ← دارای ده وزن است.
 مزید ← دارای وزن های فراوان است.
 مجرد ← دارای شش وزن است.
 مزید ← دارای وزن های فراوان است.
 مجرد ← دارای چهار وزن است.
 مزید ← دارای وزن است.

وزن های ثلاثی مجرد:

- ۱- فَعْلٌ = ضَرَبَ - وَزَنَ - أَكَلَ - صَدَفَ - نَكَحَ - قَتَلَ - مَلَبَ
- ۲- فُعْلٌ = قَلَمَ - حَجَرَ - سَبَبَ - قَمَرَ - أَسَدَ - جَلَلَ - حَسَنَ
- ۳- فَعِلٌ = كَبَدَ
- ۴- فُعْلٌ = نُجِدَ (لِجِلْوَانٍ) - رَجَلَ
- ۵- فِعْلٌ = عَلِمَ - صَدَقَ - شِعَرَ
- ۶- فِعْلٌ = مَلَلَ - عَلَلَ
- ۷- فِعِلٌ = حَبِبَ (زَرَرِي دَنَانٍ)
- ۸- فُعْلٌ = شَكَرَ - شَرِبَ - حَسَنَ
- ۹- فُعْلٌ = قَالَلَ - أَمَمَ - لَمَتَ
- ۱۰- فُعْلٌ = كُتِبَ - اُفْتُقَ

✓ علوم العربیه
 قسمت صرف
 ✓ تھارثیف
 شرح صرف سادہ

توجہ دو - دو وزن (فِعْلٌ) و (فُعْلٌ) شاذ و بی جلاف قاعدہ هستند۔

۲- اسم های ثلاثی مجرد

یک وزنی ← غالباً ✓
 دو وزنی = عَنُقُ - عَنُقُ
 سه وزنی = كَتِفٌ - كَتِفٌ - كَتِفٌ
 چهار وزنی = فُخِدٌ - فُخِدٌ - فُخِدٌ - فُخِدٌ

۳- گاهی یکی از حروف اصلی اسم ثلاثی مجرد حذف می شود؛ یا به جای حرف محذوف، حرف دیگری نمی آید ← دو حرفی استعمال می شود.
 یا به جای حرف محذوف، حرف دیگری آورده می شود ← سه حرفی استعمال می شود.

[در فارسی: آسمان - آسمان / مہتربان - مہتربان]

تکته های ۱ - فُوَه ← فَو ← فَم
 (طفه) (فوف و او) ← فَم
 و بدون عوض
 عوض

۲- حذف حرف اصلی و جایگزین شدن آن، امر سماعی است.
 ← ماصبه به لغت نامها و معجم های لغوی

۳- بعضی از اسم ها، از ابتدای یک حرفی یا دو حرفی و ساختن شده اند
 مانند بعضی از ضمیرها، اسم موصول مشترک، اسم استفهام، اسم شرط،
 کتاب، ظرف، ... ← جزء مبنیات هستند.

[فودونه در صد اسم ها معرب هستند و در آنها تغییر صورت می گیرد]
 یعنی سه حرفی و بیشتر

وزن های رباعی مجرد:

- ۱- فَعْلَل = بُرُخ - خُرْدَل - سُرْمَد - کُوب - مَدِين - خُدُول -
 (جوی کوچک)
- ۲- فَعْلَل = خِنَصْر (انگشت کوچک)، بِنَصْر (انگشت دوم)
- ۳- فَعْلَل = سِيطْر (مرد بالاک)
- ۴- فَعْلَل = جَلِيد (شسته کوتاه)
- ۵- فَعْلَل = هَدَد - سَنَل - لَوْلُو -
- ۶- فَعْلَل = تَبْقَع - حَبْدَب (یک نوع مرغ)

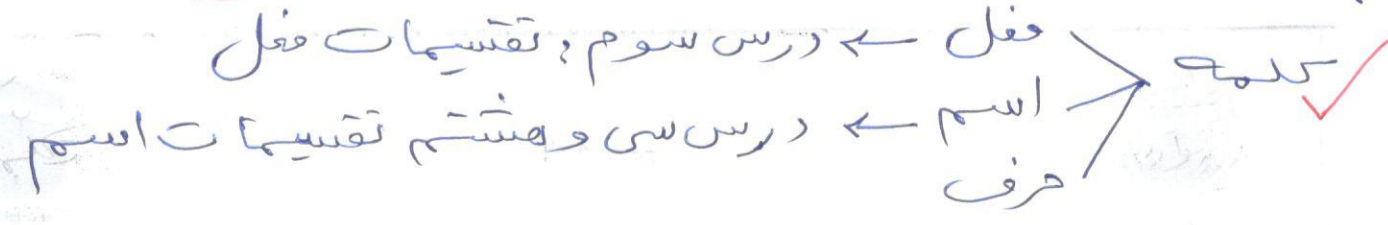
وزن های قیاسی مجرد:

- ۱- فَعْلَل = فِرْدَق -
- ۲- فَعْلَل = قَهْبَلِس -
- ۳- فَعْلَل = خَدْعِل -
- ۴- فَعْلَل = جِدْجَل -

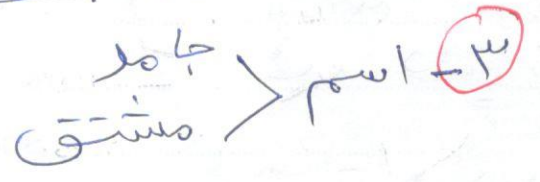
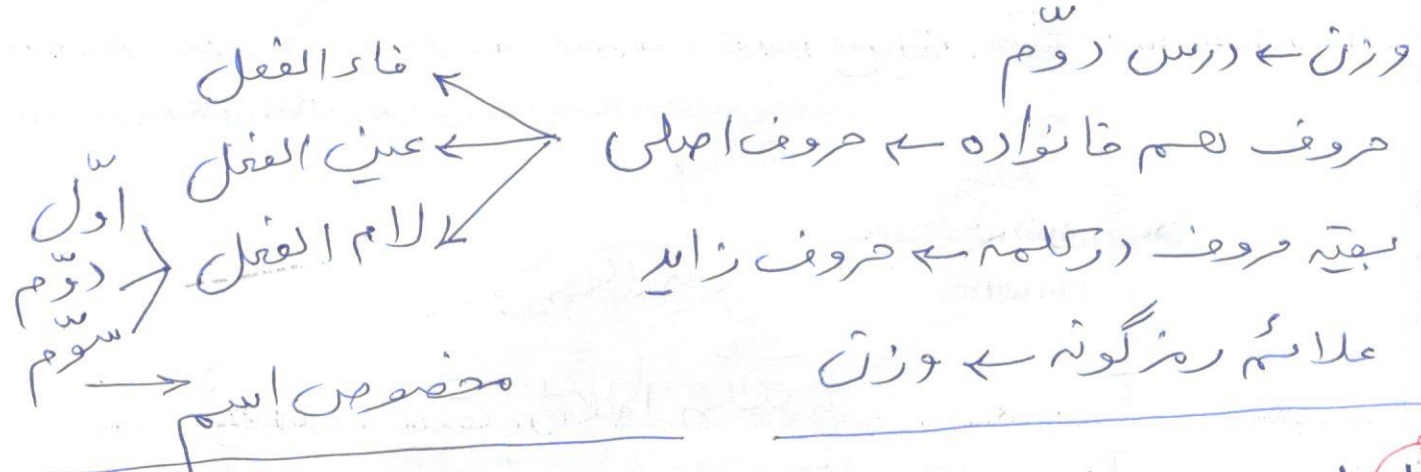
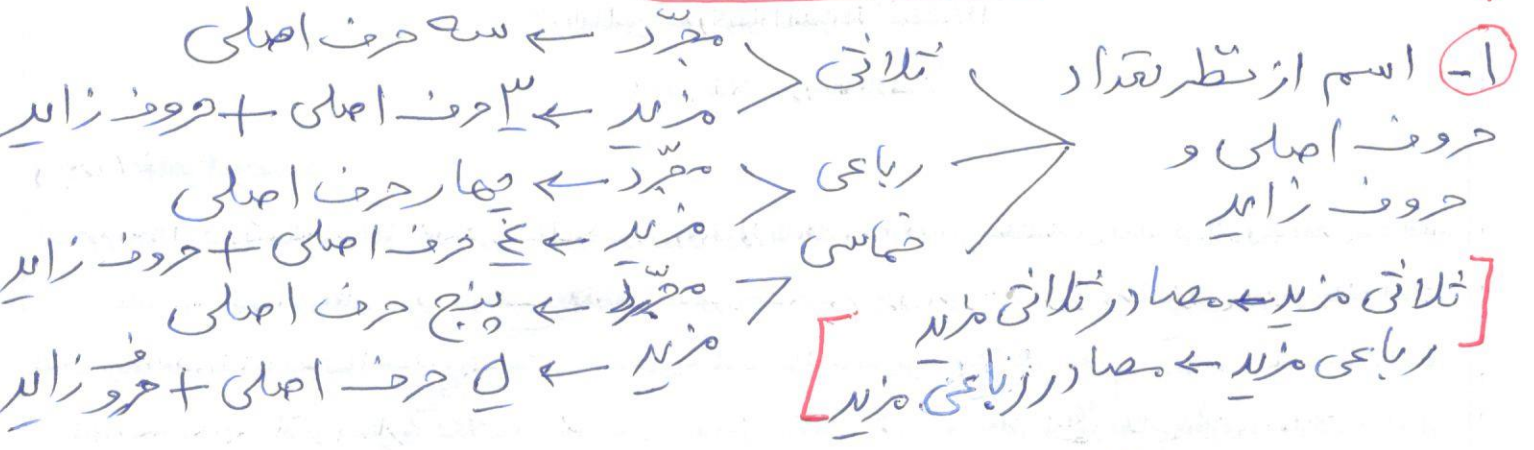
تکته:

✓ تعداد حروف اسم های مذکر،
 حداکثر هفت حرف است.

✓ در تشخیص تعداد حروف اسم
 معاینه
 نشانه
 علامت وضع
 علامت تشبیه
 علامت جمع



از تقسیمات اسم، فقط سه تقسیم در ترم دوم خوانده می شود.



- ۲- اسم مصدر
غیر مصدر
- ۱- اصلی
 - ۲- مبین
 - ۳- عددی - مره
 - ۴- نوعی - هست
 - ۵- صناعی - جعلی - منقوت
 - ۶- معلوم و مجهول
 - ۷- وصفی
- ✓ اسم مصدر

- ۱- اسم فاعل
- ۲- اسم مفعول
- ۳- صفت مشبیه
- ۴- اسم مبالغه
- ۵- اسم تفضیل
- ۶- اسم مکان
- ۷- اسم زمان
- ۸- اسم ابزار - آلات

مصدر = معنای قائم به غیر - حدث

اسم

ضرب (زدن) باید دو وقتی باشند که هم دیگر را بزنند یا یکی، دیگری را بزند - اگر نباشند، زدن در کار نیست

کتابت (نوشتن) باید شخصی و قلمی و کاغذی باشند تا نوشتن صورت بگیرد، اگر اینها نباشد نوشتن در کار نیست

باید گنجان یا شخصی باشند تا بگوئیم نیکو و زیبا است

غیر مصدر = ذات - عین
زید و کبر - کاغذ - قلم

نکته‌ها:

۱- مصدر ← فعل ← شبه فعل (اسم‌های مشتق)

درس ۴۲

مانند: ضرب ← یضرب ← ضارب و مضروب
علم ← یعلم ← عالم و معلوم و علیهم و علامه و اعلم

۲- ضرب ← زدن ← زد - سوم شخص ماضی

در زبان فارسی

کتابت ← نوشتن ← نوشت - =

انقسام مصدر:

مصدر اصلی

- تلاثی مجزیه
- ✓ سماعی
- ✓ وزن‌های مشهور ۱۴
- ۱۴ وزن
- ✓ وزن‌های غالبی

- اصلی
- میهی
- عددی - مَرَّة
- نوعی - هَيْئَت
- صناعی - بجای مفعول
- معلوم و مجهول
- وصفی
- ✓ اسم مصدر

- غیر ثلاثی مجزیه
- تلاثی مُرید } قیاسی
- رباعی مجزیه } مشهور ۱۲
- غیر مشهور ۳۳
- مشهور ۱۱

اسم در زبان عربی

به دو قسمت تقسیم میشود

۱- یا موجوداتی است که هم

در ذهن و هم در خارج

وجود دارد مانند انسان

و حیوان و اشیاء و ...

آسمان و زمین و ...

(علی - حسنی - زید

فاطمه - زهراء - هند)

به اولی، مدث می گویند.

یا قائم به غیر می گویند یعنی با کمک چیز دیگر به وجود می آید

به دومی، ذات می گویند.

۱- یا کار و حالتی است که فقط در ذهن وجود دارد و اگر بخواهیم در خارج نشان دهیم باید با کمک اسم دیگری باشد. مثلاً (رفتن) در ذهن است. (آمدن) در ذهن است اما اگر کسی بیاید و بیرون، این رفتن و آمدن با کمک آن شخص برای ما معلوم می شود و مانند رنگها که اگر بخواهیم به کسی نشان دهیم با کمک پارچه و کاغذ و دیوار، رنگها را نشان می دهیم.

مثلاً بیدایش

نکته ۱- این مصدر (مدث و معنای قائم به غیر) ریشه فاعل به وجود

آمدن فعل (انواع فعل، معلوم و مجهول)

ریشه فعل (اسم های مشتق) - درس ۴۲ است

زدن + علی + زمان (گذشته - حال - آینده) = فعل زدن معلوم

زدن + زید + زمان = فعل زده شده مجهول

زدن + علی = می شود اسم فاعل ← ضارب

زدن + زید = می شود اسم مفعول ← مضروب

زدن + علی = می شود اسم فاعل ← ضارب

زدن + زید = می شود اسم مفعول ← مضروب

مصدر مبینی

یکی از اقسام مصدر، مصدر مبینی است. (چون اول آن، میم زائده
مصدر مبینی از نظر معنا هیچ فرقی با معنای اهللی ندارد) وجود دارد

اما مصدر اهللی در ثلاثی مجرد، سماعی و غیر ثلاثی مجرد، میبسی
است/ در حالی که مصدر مبینی در همه موارد میبسی است.

پیوستگی ساختن مصدر مبینی
در ثلاثی مجرد:

در صحیح و سالم و مهور و مضاعف و در ناقص و
در مثال یایی که در مثال واوی که واو در مضارع حذف شده است.
در اجوف واوی و در اجوف یایی بی وزن فِعْلٌ و نُفْعِلُ و
در لقیف و بی وزن مُفْعِلٌ می آید.

در مثال واوی که واو در مضارع آن حذف شده است. (قاعدہ ۱)
و در اجوف یایی که بی وزن فِعْلٌ است: مَوَاعِدِ اَعْلَالِ
بی وزن مُفْعِلٌ می آید.

مضاعف: قُرٌّ ← مُقَرٌّ

مثال واوی - که واو در مضارع حذف
شده است: و جِل ← مَوْجِل

لقیف: حَبِي ← مَحْبِي ق

مفروق: وَقِي ← مَوْقِي ق

سالم - صحیح: قَتَلَ ← مَقْتَل

مهور: أَخَذَ ← مَأْخَذ

اجوف واوی: قَوْلٌ ← مَقَال
(مَقُول)
ق ۳ و ۴

ناقص: جَبْرِي ← مَجْرِي

وَعَدَ لَعْدٍ ← مَوْعِد - مثال واوی که واو در مضارع آن حذف شده است.

زَادَ بَرْدٌ ← مَزِيد - اجوف یایی که بی وزن فِعْلٌ است.

تَوْعَدٌ: گاهی ← مصدر مبینی + َ + َ + َ
مُرْكَمٌ: مَرَكَمَةٌ ← مَرَكَمَةٌ

تَوْعِدٌ: گاهی نزلت. مَغْفِرَةٌ - مَعْدِرَةٌ - مَعْرِفَةٌ بی وزن مُفْعِلٌ

مصدر مبین

جگونی ساختن مصدر مبین در غیر ثلاثی مجرد

ثلاثی مزید
رباعی مجرد
رباعی مزید
حرف ما قبل آخر مفتوح

از مضارع مجهول (صنعه اول)

حذف حرف مضارعه (حرف یاء)

تکرار دادن نیم مفهوم به جای حرف مضارعه

ثلاثی مزید: باب افعال - مضارع مجهول یَلْمِزُ ← مَلَمَزٌ

باب تفعیل - مضارع مجهول یُصَرِّفُ ← مَصْرَفٌ

باب مُعَاوَلَه - مضارع مجهول یُقَاتِلُ ← مِقَاتِلٌ

رباعی مجرد: باب فُعْلَلَه - مضارع مجهول یُزَلِّلُ ← مَزَلَّلٌ

رباعی مزید: باب تَفَعَّلَل - مضارع مجهول یُتَدَرِّجُ ← مَتَدَرِّجٌ

مصدر عددی - مَرَّةً

اسم است که بر یک بار واقع شدن کار را اِلت می کند یا حالت

مصدر مَرَّةً از

فعلی ساخته می شود

که دو شرط دارد

دارای اثر محسوس و ظاهری باشند مانند نشستن - خوردن - رفتن - (نه افعالی که باطنی هستند مانند دانستن - ندانستن و غیره)

اوصاف ثابت نباشند مانند همان مثال های نشستن (استیادن) خوردن - رفتن

(نه اوصافی که ثابت و دائمی هستند مانند رُتبی و رُیبایی و قد بلندی و قد کوتاهی)

مصدر نوعی - هَسْبٌ

اسمی که نوع و جگونی فعل را بیان می کند.

نوع راه رفتن - نوع خورده شدن - نوع آنگاه

قواعد ساختن

مصدر عددی
مَرَّة

در تلاثی مجرد، بروزن فَعْلَةٌ

✓ اگر مصدر اصلی بروزن فَعْلَةٌ بود برای بیان

مَرَّة و عدد از صفت واحدة استفاده می شود.
رُحْمَةٌ واحدة

در غیر تلاثی مجرد: (تلاثی مُرید - رباعی مجرد - رباعی مُرید)
با اضافه کردن ة به آخر مصدر اصلی

ادخال + ة

✓ اگر مصدر اصلی با ة بود برای بیان مَرَّة و عدد

مقاتلة واحدة → از صفت واحدة استفاده می شود.

(باب مفاعلة + نشش باب از ابواب غیر مشهور + باب فَعْلَةٌ)

✓ اگر بایی دارای چند مصدر بود، از مصدر مشهور آن باب، مصدر عددی

مساریم، (باب تفعیل - باب مفاعلة - باب فَعْلَةٌ)

در تلاثی مجرد، بروزن فِعْلَةٌ

قواعد ساختن

مصدر نوعی

هَيْئَت

✓ اگر مصدر اصلی بروزن فِعْلَةٌ بود، همراه مصدر

اصلی، کلمه ای آورده می شود که دلالت بر
هَيْئَت و نوع فعل کند. نَشْرَةٌ عَظِيمَةٌ

در غیر تلاثی مجرد: (تلاثی مُرید، رباعی مجرد، رباعی مُرید)

با اضافه کردن کلمه دیگر به مصدر اصلی.

اکرام + الأمیر استشارة + کاملة

درس ۳۱ - مطالعه و پژوهش - مصدر مؤول (بیت ثوی) ✓

در حالات فعل مضارع - مضارع منسوب را حواذیم.

(حروف مصدری)

أَنْ - لَنْ - كَيْ - لَوْ - مَا

أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ - بَقَرَةُ آيَةِ ۱۸۴

حرف تاصیب فعل مضارع منسوب - حذف تَوْن

✓ حرف مصدری به صورت مصدری معنای شود: روزه گرفتن برای شما

خبر است.

درس ۳۲ - مصدر صناعی - فعلی - منحوط

اسم + یاء مشدّد - وِی + ة (فُمول مصدر صناعی)

انسان + وِی + ة ← انسانیة : انسان بودن

✓ در مصدر عددی گفتیم، از صفاتی باشد که ثابت نباشد

در اینها می گوئیم، صفتی که لازم و دائمی است.

✓ در درس ۵۶ - اسم منسوب : ایران ← ایرانی (فامیلی افراد)

اگر بخواهیم از ایرانی مصدر صناعی درست کنیم وِی نسبت

را حذف می کنیم، وِی + ة مصدر صناعی را اضافه می کنیم:

ایرانیة

✓ اسم منسوب = عرب + وِی ← عربی

مؤنث آن می شود: عربیة ← عرب + وِی + ة

اسم مشوب مؤنث با مصدر صناعی اشتباه نشود

(از معنای مؤنث می شودیم)

پرسش میانی ۱ رَأَيْتُ امْرَأَةً اِیرَانِیَّةً اِیرانی بودن را به

موصوف صفت

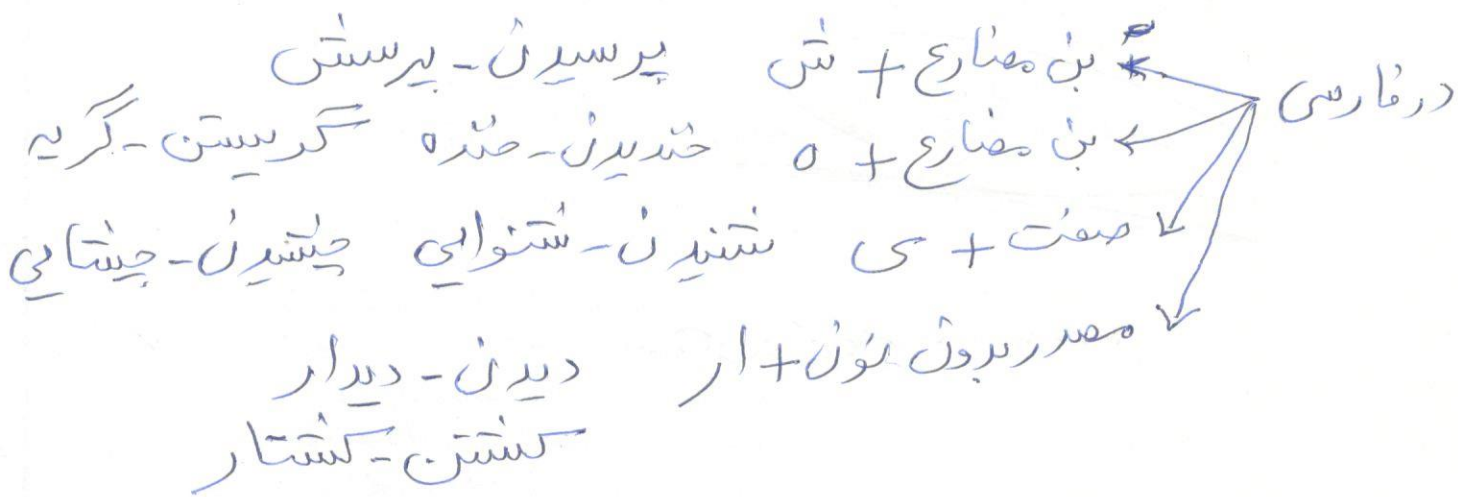
امْرَأَةً نسبت می دهیم، و بدلیل مؤنث بودن، ة می آوریم.

اسم مصدر

مصدر ← واقع شدن کاری یا پدید آمدن حالتی ← پاک بودن
اسم مصدر ← حاصل و نتیجہ مصدر ← پاکیزگی

✓ پاک بودن نسبت بہ لباس ، نسبت بہ بدن ، نسبت بہ مکان
پاکیزگی جزئی از ایمان است

✓ اسم مصدر در زبان عربی ، سماعی است (قاعدہ و قانون ندارد)
✓ وزن ، گاهی ہما شد مصدر ، گاهی ہم با ہم متفاوت ہستند



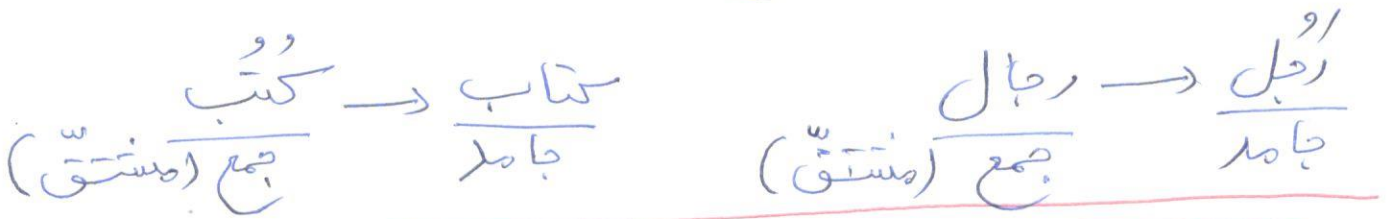
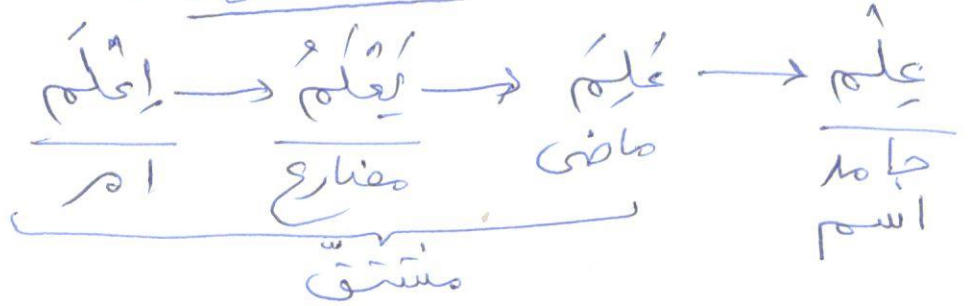
✓ مصدر و اسم مصدر واحد : ✓ مصدر و اسم مصدر مختلف :

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| سرو - شاد بودن | سؤال - پرسیدن و پرسش |
| سزار - شادی | مشی - رفتن و رفتار |
| ضرب - خسارت و زیان دیدن | حب - دوست داشتن و دوستی |
| ضرب - سختی و قسطن | بیع - فروختن و فروش |
| تسلیم - سلام کردن | اجتهاد - کوشیدن و کوشش |
| سلام - سلام | صنعت - خریدن و خندہ |

در درس اول خواندیم : علوم ادبی ، علوم ظری ، و علم هستند

یکی از آن علوم ، علم اشتقاق است ، (به صورت عام) هر نوع

مشتق : کلمه ای که از کلمه دیگر گرفته شده باشد ،
جامد : کلمه ای که از کلمه دیگر گرفته نشده باشد ،



در علم صرف ، (به صورت خاص) در باب اسم

مشتق ، اسمی است که از فعل گرفته شده باشد ،
جامد ، اسمی است که از فعل گرفته نشده باشد ،

اسم فاعل

در فارسی ، رونده - خواننده - نویسنده - گوینده - زنده - پیونده

در عربی ، از کسی کاری صادر شود که دائمی نباشد ،
یا حالتی داشته باشد که ثابت نباشد

(دائمی و ثابت ← صفة مشبهه)

ثلاثی مجرد

طریقه ساخت
مشتقات

غیر ثلاثی مجرد (ثلاثی مزید)

رباعی مجرد - رباعی مزید

طریقه ساخت
اسم فاعل

در ثلاثی مجرد بدون فاعل ذاع لصیغه اول
از فعل مضارع معلوم

در غیر ثلاثی مجرد

حذف حرف مضارعه

میم مصارع
مضموم به جای حرف

شرف ما قبل آخر الکر ملسور
نون، ملسور می کشیم

ما تدر باب تفعّل

و تفاعل

ذاهب مفرد مذکر ^همُحَسِّن
ذاهبان ^همُتَشَنِّمٌ ^همُحَسِّنَانِ
ذاهبون جمع مذکر ^همُحَسِّنُونَ
ذاهبۀ مفرد مؤنث ^همُحَسِّنَةٌ
ذاهبتان ^همُتَشَنِّمَتٌ ^همُحَسِّنَتَانِ
ذاهبات جمع مؤنث ^همُحَسِّنَاتٌ

(برای غایب و مخاطب و متکلم تکسان است)

متصرف - اسم فاعل ساخته می شود

غیر متصرف - اسم فاعل ساخته نمی شود

درس ۳۶
افعال

بعضی از صفات انحصار به مؤنث دارند: مانند فاعل و

تلاثی مجرد

مُضَعِّع - لذا بهتر است بدون ه بیاید

(رفع - نصب - جزم)

همانند حالات فعل مضارع

باب افعال

رفع - محمد
نصب - محمد
جزم - محمد

اسم سه تا
اعراب می گیرد:

بیت ثعوی:

این اعراب سه گانه به حالت های

مختلف نشان داده می شوند: جدول صفحه ۳۳

رفع كاتب	کاتبان	کاتبون
نصب كاتباً	کاتبین	کاتبین
جر كاتبٍ	کاتبین	کاتبین

ضمایر در اسم فاعل

درس ۴ ← فاعل - حالت های فاعل (متکلم، مخاطب، مخاطب)
(مذکر مؤنث) (مفرد، مثنی، جمع) (متکلم و عدّه، متکلم مع الغیبه)

ادبیات عربی

فاعل > اسم ظاهر
ضمیر - بارزه مستتر (پنهان) (اشکال)
درس ۷ > ضمیر مستتر > جوازی و جوبی

فاعل در اسم فاعل > اسم ظاهر ← اُ کاتبٌ سعیدٌ
ضمیر > بارز هل راغبٌ انت
مستتر ما الطلاب کاتبین
(ضمیر مستتر - پنهان) جدول صفحه ۳۳۱ (هم)

بیت نحوی؛

مفرد مذکر: سعید کاتب - انت کاتب - انا کاتب
مبتداء خبر مبتداء خبر

مثنای مذکر: سعیدان کاتبان - انتما کاتبان - نحن کاتبان
مبتداء خبر مبتداء خبر

جمع مذکر: سعیدون کاتبون - انتم کاتبون - نحن کاتبون
مبتداء خبر مبتداء خبر

مفرد مؤنث: سعیده کاتبه - انت کاتبه - انا کاتبه
مبتداء خبر مبتداء خبر

مثنای مؤنث: سعیدتان کاتبتان - انتما کاتبتان - نحن کاتبتان
مبتداء خبر مبتداء خبر

جمع مؤنث: سعیدات کاتبات - انتن کاتبات - نحن کاتبات
مبتداء خبر مبتداء خبر

من نویسنده هستم

تو نویسنده هستی

او نویسنده است

۱۴ صغیه ← تبدیل به ۶ می شوند. فارسی: او نویسنده است

با اسم تعالی ساخت اسم فاعل ← جدول باب های ثلاثی در باعی
درس ۴۲

درس ۲۵ صفحه ۱۸۶ و ۱۸۷

ذاهب ذاهبان ذاهبون
ذاهبه ذاهبتان ذاهبات

یذهب ← ذاهب
یضرب ← ضارب
یضمر ← ناضر
یعلم ← عالم
یغیب ← غایب
یحسن ← حاسن

یضرب
علامت رفع ← ضمه
ضمیر ← هو مستتر

ضارب
علامت رفع ← واو
ضمیر ← هو - انت - انا مستتر

یضربان
علامت رفع ← ن
ضمیر ← ا

ضاربان
ضمیر ← هما - انهما - نحن مستتر
علامت رفع ← ان
تثنيه

یضربون
علامت رفع ← ن
ضمیر ← و

ضاربون
ضمیر ← هم - انهم - نحن مستتر
علامت رفع ← ون
جمع

یجلس ← مجلس
یفرح ← فرح
یجالس ← مجالس
یتفرق ← متفرق
یتظاهر ← متظاهر
یکتسب ← مكتسب
ینقلب ← منقلب
یحمر ← محمر
للسففر ← مسففر
یضار ← مضار
یعشوشب ← عشوشب
یحلود ← محلود

اسم فاعل {
سوره اضراب آیه ۳۵
سوره آل عمران آیه ۱۷
در قرآن

ینزل ← منزل
یتزلزل ← متزلزل
یحزیم ← محزیم
لقتیر ← مقشیر

باسمه تعالی

مشتقات اسم مفعول

تعریف اسم مفعول : کسی یا چیزی که کاری بر او واقع یا حالتی در او
به وجود آمده است که ثابت و دائمی نیست. (اثر و نتیجه کار اسم فاعل)
نوشته شده ، و سوسه شده

[نوشتن از نوشته شده - اسم فاعل ، و سوسه از و سوسه گر - اسم فاعل
به وجود آمده] ساتب مُوسوس

طریقه ساخت اسم مفعول :

در ثلاثی مجرد : بروزن مفعول **مفعول**
در غیر ثلاثی مجرد : (ثلاثی مزید ، رباعی مجرد ، رباعی مزید) :

از فعل مضارع مجهول می گیریم .
حرف مضارعه و احرف می کنیم
به جای حرف مضارع ، میم مضموم می آوریم

مکتوب	مفرد مذکر	مُتَل	موسوس
مکتوبان	مثنی مذکر	مُتَرَان	موسوسان
مکتوبون	جمع مذکر	مُتَرُونَ	موسوسون
مکتوبه	مفرد مؤنث	مُتَرَة	موسوسه
مکتوبات	مثنی مؤنث	مُتَرَتَان	موسوستان
مکتوبات	جمع مؤنث	مُتَرَات	موسوسات

توجه : مصدر میسر
ساختن { اسم مفعول } یکسان است .
در غیر ثلاثی مجرد
وقتی در کلام و جمله قرار گیرد با قرینه مشخص می شود .

در اسم فاعل و اسم مفعول

علامات رفع و نصب و جر

مفرد مذکر	وَ	↓	و نصب و جر
مثنی مذکر	اِنَّ	↓	
جمع مذکر	وَن	↓	
مفرد مؤنث	وَ	↓	
مثنی مؤنث	اِنَّ	↓	
جمع مؤنث	وَ	↓	

مفرد مذکر
مثنی مذکر
جمع مذکر
مفرد مؤنث
مثنی مؤنث
جمع مؤنث

(ن علامت و نشانه مثنی - ن علامت و نشانه جمع)
صفتی در اسم مفعول

[اسم فاعل ← از فعل مضارع معلوم گرفته می شود ← فاعل می خواهد]
اما اسم مفعول ← از فعل مضارع مجهول گرفته می شود ← نائب فاعل

می خواهد. اسم ظاهر

نائب فاعل ← صفتی بارز اُ مضمربُ اُنک

مستتر ← صفتی که با خط قرمز نوشته شده

مفرد مذکر	سَعِدِ مَضْرُوبِ	هو	مبتدای
مثنی مذکر	سَعِدِیْنِ مَضْرُوبِیْنِ	هما	
جمع مذکر	سَعِدِوْنَ مَضْرُوبِوْنَ	هم	
مفرد مؤنث	سَعِدِةَ مَضْرُوبِةَ	هی	
مثنی مؤنث	سَعِدِیْنِ مَضْرُوبِیْنِ	هنما	
جمع مؤنث	سَعِدَاتِ مَضْرُوبَاتِ	هن	

اَنَا مَضْرُوبِ
اِنَّمَا مَضْرُوبِیْنِ
اَنْتُمْ مَضْرُوبِوْنَ
اِنَّتِ مَضْرُوبِةَ
اِنَّنَا مَضْرُوبِیْنِ
اِنَّنِ مَضْرُوبَاتِ

باسمه تعالی
اسم مفعول فعل های لازم

مرور
 درس نهم و دهم و یازدهم

فعل > لازم - فاعل
 فاعل معلوم - قاعل
 متعدي - فاعل + مفعول به
 مجهول - نائب فاعل (در اصل مفعول به)

فعل لازم اگر متعدي به حرف خبر شود و مجهول نشود :

فعل همیشه به صورت صیغه اول باقی می ماند و قاعل تفسیر می کند
 ذهب به - بهما - بهم - بها - بهما - بهن ...

درس نهم و دهم : اسم مفعول ، نائب فاعل می خواهد

اسم مفعول > یا از فعل متعدي می گیریم : ۶ صیغه دارد (که خوانیم)

یا از فعل لازم می گیریم : که در این صورت متعدي به

حرف خبر می شود و بعد اسم مفعول را از فعل لازم متعدي به حرف خبر شده است
 می گیریم : ۴ صیغه دارد

اسم مفعول به صورت صیغه اول باقی می ماند و نائب فاعل تفسیر می کند

تکرار لازم ← متعدي به حرف خبر تکرار به ← مجهول و تکرار به

اسم مفعول : متعدي به
 از مضارع مجهول
 می گیریم :
 تکرار به

بها بهما بهن
 بک بکما بکم
 بی بنا

نکته

[همانند مصدر و صفتی]
 درس ۱۴
 وزن
 فعل
 فعل
 فعل
 فعل
 خلق ← مخلوق
 فعل وزن (معنا)

ناسالم در اسم فاعل

مرور:
حکایات
افعال و
اسم

سالم
ناسالم

۱ مهموز - در حروف اصلی، همزه باشد.
۲ مضاعف - در حروف اصلی، حرف تکراری باشد.
۳ معتل - در حروف اصلی، حرف عله باشد.

مواعد
به ترتیب

۱ انضمام
۲ ادغام
۳ اعلال

قلبی
حذفی
واجب
جائز
مستع

از درس ۲۶
تا درس ۳۴

قلبی
حذفی سکونی

(غیر از او)

مانند قاعده ۲ اعلال

مواعد

عمومی - هم در فعل و هم در اسم جاری می شود

اختصاصی

فقط در فعل جاری می شود ← مانند قاعده ۱ اعلال

و قاعده ۵ اعلال

درس ۵۹

مثال قاعده ادغام عمومی
ماضی
ر د د ← ر د
مضارع
ر د د ← ر د د

اسم فاعل: ر ا د د ←
اولی حرف اول ساکن می شود
ر ا د د ←
ادغام

(قاعده ادغام واجب همراه با تکه - درس ۲۸)

قاعده اختصاصی اعلال در باب اسم فاعل:

در اسم فاعل ثلاثی مجرد عین الفعل حرف عله باشد (واو - یاء)

یعنی حرف عله بعد از الف واقع می شود ← قلب به همزه می شود.

به شرطی که در فعل آن قواعد اعلال جاری شود.

فَاعِل ← فَاوِل و فَايِل ← فَائِل

قَوْلٌ ← قَالَ لِقَوْلٍ ← لَقِيْلٌ قَاوِلٌ ← قَاتِلٌ
 لِسِيْرٌ ← سَارٌ لِيْسِيْرٌ ← لَيْسِيْرٌ سَايِرٌ ← سَائِرٌ
 ماضٍ مضارع اسم فاعل

بہ ظلاف عا اور . (در صورتی، حرف عله در حکم حرف صحیح است
 عور یور و اعلال جاری نمی شود) (در مثال عا و و، در
 ماضی و مضارع قواعد اعلال جاری نمی شود چون بہ معنای عیب است)
 ← صرف سارہ، مبعث قواعد اعلال، تبصیرہ بر قواعد اعلال (مطالعہ و تیرہ ہفت روزہ ۱۳۶۱ ص ۲۶۱)

جدول ثبوتہا:

مہموز: اُ اِمْرٌ ← قاعدہ تفتیح قلبی - و اِمِیْبٌ ← اَمِیْرٌ
 مضاعف: تَا اِمْمٌ ← قاعدہ ادغام و اِمِیْبٌ، ہمراہ بانگتہ ← تَا اِمْمٌ
 اجوف: خَاوِنٌ ← قاعدہ اختصا صی اسم فاعل ← خَاوِنٌ
 ناقص: رَا اِمُوٌ ← قاعدہ ۱ - رَا اِمِیٌّ خوانندہ می شود رَا اِمِیْنٌ
 لفتیح: وَا اِمِیٌّ ← وَا اِمِیْنٌ (تثنوتی ہمان ثون ساکنہ است) ←

قاعدہ ۱ > رَا اِمِیْنٌ ← رَا اِمِیْنٌ > رَا اِمِیْنٌ
 وَا اِمِیْنٌ ← وَا اِمِیْنٌ > وَا اِمِیْنٌ
 (بہ باتثون نوشتہ می شود)

✓ اگر اسم فاعل ناقص و لفتیح با الف و لام بیاید ← این قاعدہ جاری
 ← چون اسم کہ الف و لام داشتہ باشد تثنوتی نمی گیرد - الرامعی - اللوامعی
 یعنی شود.

المہندی - قاعدہ ۱ > مہندی: قواعد ۱ و ۶ ← مہندی
 مہندی: مہندی: قواعد ۱ و ۶ ← مہندی
 مہندی: مہندی: قواعد ۱ و ۶ ← مہندی
 مہندی: مہندی: قواعد ۱ و ۶ ← مہندی

أَجُوبٌ يُجُوبُ ← مَجُوبٌ قِ سِ وِ ← مَجِيبٌ
 معلوم → مَجُوبٌ ← مَجُوبٌ قِ سِ وِ ← مَجَابٌ
 مجهول → اجراء قاعده در اسم فاعل و اسم مفعول

أَجُوبٌ يُجُوبُ ← مَجُوبٌ قِ سِ وِ ← مَجِيبٌ ← اسم فاعل : مَجِيبٌ
 معلوم → مَجُوبٌ ← مَجُوبٌ قِ سِ وِ ← مَجَابٌ ← اسم مفعول : مَجَابٌ
 مجهول → اجراء قاعده در فعل

✓ در بعضی از موارد، شکل ظاهری اسم فاعل و اسم مفعول
 همانند هم می شود، و در عباراتی که تاکید یا توجه به قرائن و
 معانی، مشخص می شود، مانند مُخْتَارٌ
 (توجه: در امتحان هر دو گزینیه اسم فاعل و اسم مفعول را
 در پیش و کترین الف) انتخاب کنید و بنویسید)

✓ هم افعال مَعْتَلٌ هستند - البته یک مورد مضاعف
 ✓ ثلاثی مجرد ← بر وزن فاعل و مفعول

عثر ثلاثی مجرد ← اسم فاعل از مضارع معلوم ...
 اسم مفعول از مضارع مجهول ...

✓ یا توجه به قواعد اعلال و ادغام

در کترین ب : مورد ا و ا حذف لام الفعل
 مثبت ناقص > بدون الف و لام ✓
 بالف و لام

